

به نام خدای مهربان

مطابق با
سطح دشواری
امتحانات نهایی
۱۴۰۲ و بالاتر

بانک سؤالات نهایی

دوازدهم

مشترک همه رشته‌ها

مجموعه کتاب‌های
پرسؤال

انگلیسی

با خیال راحت (۲۰) شو!

علی عاشوری

• برای دریافت امتحان نهایی
دی‌ماه ۱۴۰۲
این کد رو اسکن کن.




هومان


مهروماه

فهرست

درس ۱:

Sense of Appreciation

۷



Title Page, Get Ready, Conversation

۸	لغات
۱۸	سؤالات امتحانی
۳۶	کتاب کار
۱۴۰	پاسخنامه

New Words and Expressions, Reading, Vocabulary Development

۱۰	لغات
۲۰	سؤالات امتحانی
۱۴۱	پاسخنامه

Grammar, Listening and Speaking, Writing, What You Learned

۱۱	لغات
۱۲	دستور زبان
۲۴	سؤالات امتحانی
۱۴۳	پاسخنامه

درس ۲:

Look it Up!



۳۹

Title Page, Get Ready, Conversation

۴۰	لغات
۴۷	سؤالات امتحانی
۶۶	کتاب کار
۱۵۴	پاسخنامه

New Words and Expressions, Reading, Vocabulary Development

۴۱	لغات
۴۹	سؤالات امتحانی
۱۵۵	پاسخنامه

Grammar, Listening and Speaking, Writing, What You Learned

۴۲	لغات
۴۴	دستور زبان
۵۳	سؤالات امتحانی
۱۵۷	پاسخنامه

۶۹



درس ۳:

Renewable Energy

Title Page, Get Ready, Conversation

۷۰	لغات
۷۸	سؤالات امتحانی
۹۶	کتاب کار
۱۶۸	پاسخنامه

New Words and Expressions, Reading, Vocabulary Development

۷۱	لغات
۸۰	سؤالات امتحانی
۱۶۹	پاسخنامه

Grammar, Listening and Speaking, Writing, What You Learned

۷۴	لغات
۷۵	دستور زبان
۸۳	سؤالات امتحانی
۱۷۱	پاسخنامه

۹۹

آزمون‌ها



۱۰۰	آزمون‌های درس به درس
۱۱۰	آزمون‌های نوبت اول
۱۱۷	آزمون‌های نوبت دوم
۱۷۹	پاسخنامه

پیوست



۲۰۷

۲۰۸	لغات پرتکرار نهایی
۲۰۹	افعال
۲۱۲	مکالمات

Lesson 1

Student Book

برای دریافت پاسخ پرسش‌های کتاب درسی QR-Code رو بهرو را اسکن کنید!



- مشاوره:** دانش‌آموزان عزیز: در این درس برای یک نمره خوب گرفتن:
- ۱- مکالمه و متن درس خیلی اهمیت داره چون در سوالات امتحان نهایی بخش عمده‌ای از سوالات شنیداری از این بخش‌ها طرح می‌شه.
 - ۲- در بخش گرامر تمرینات معلوم و مجهول حدود ۳ نمره داره که دقیقاً عین کتاب درسی می‌آید. از حل دقیق تمرینات غافل نشید.
 - ۳- برای بخش واژگان که بخش خیلی مهمیه مطالعه واژگان بخش مکالمه، لغات و اصطلاحات که شامل لغات کلیدی است فراموش نشه.
 - ۴- بخش نگارش درس یک ۲ نمره داره که شامل حروف ربط می‌شه و خیلی هم ساده است. حتماً این بخش نمره بیار را جدی بگیرین. کافیه یک بار دقیقاً تمرینات کتاب درسی و کتاب کار را دقیق حل کنین.
- برای شما دانش‌آموز عزیز بهترین را آرزو می‌کنم. Do our best! Allah does the rest! تو نهایت تلاشت را بکن. بقیه با خدا.

Vocabulary

لغات

Title Page , Get Ready , Conversation

• abroad (adv.)	خارج	• flu (n.)	آنفلوانزا	• member (n.)	عضو
• advice (n.)	توصیه	• following (adj.)	زیر، بعدی	• memory (n.)	حافظه، خاطره
• a little (adv.)	کمی	• found (v.)	تأسیس کردن	• might (modal verb)	ممکن است
• appreciation (n.)	قدردانی، درک	• friendly (adj.)	دوستانه	• orally (adv.)	به‌طور شفاهی
• appropriate (adj.)	مناسب	• function (n.)	عملکرد	• others (adv.)	دیگران
• behavior (n.)	رفتار	• generous (adj.)	سخاوتمند	• photograph (n.)	عکس
• blood (n.)	خون	• great (adj.)	بزرگ	• physician (n.)	پزشک
• boost (v.)	تقویت کردن	• guess (v.)	حدس زدن	• polite (adj.)	مودب
• brain (n.)	مغز	• have to (v.)	مجبور بودن	• positive (adj.)	مثبت
• catch (v.)	گرفتن	• helpful (adj.)	مفید	• pressure (n.)	فشار
• careful (adj.)	دقیق، محتاط	• homeland (n.)	وطن	• professor (n.)	پروفسور
• check (v.)	چک کردن، بررسی کردن	• improve (v.)	بهبود یافتن	• really (adv.)	واقعاً
• close (adj.)	صمیمی، نزدیک	• increase (v.)	افزایش یافتن	• regard (v.)	در نظر گرفتن
• cure (v.) (n.)	مداوا کردن، معالجه	• interesting (adj.)	جالب	• sense (n.)	حس
• dedicated (adj.)	متعهد، دلسوز	• kind (adj.)	مهربان	• spare (v.) (n.)	مضایقه کردن، یدک
• diploma (n.)	دیپلم	• kindness (n.)	مهربانی	• start (v.) (n.)	شروع کردن، شروع
• disease (n.)	بیماری	• known (adj.)	شناخته‌شده	• stay (v.)	ماندن
• distinguished (adj.)	شناخته‌شده، متمایز، برجسته	• lazy (adj.)	تنبل	• strength (n.)	قدرت، توان
• donate (v.)	هدا کردن	• life (n.)	زندگی	• such a (det.)	چنین
• each other (pro.)	یکدیگر	• lives (n.)	زندگی‌ها	• successful (adj.)	موفق
• elderly (adj.)	سالمند	• loving (adj.)	محبت‌آمیز	• teenager (n.)	نوجوان
• excuse (v.)	معدرت‌خواستن	• lower (v.)	کم کردن، کاستن	• terrible (adj.)	وحشتناک
• fact (n.)	واقعیت، حقیقت	• match (v. n.)	مسابقه، کبریت، جور کردن	• thousand (adj.)	هزار
• famous (adj.)	مشهور، معروف	• medical (adj.)	پزشکی	• textbook (n.)	کتاب درسی
		• medicine (n.)	دارو، پزشکی	• What a pity! (idiom.)	چه حیف!



توضیحی درباره بخش **collocation** در این کتاب:

سلام و درود!

تا به حال اسم **collocation** را شنیده‌ای؟! حتماً در زبان شیرین فارسی، اصطلاحات و ترکیباتی مثل: «پدرم در اومد» و «مو از ماست کشیدن» را شنیده‌ای. در زبان انگلیسی به این ترکیبات **collocation** گفته می‌شود؛ یعنی کلمات هم‌نشین یا هم‌نشین. دانستن کلمات هم‌نشین برای دانش آموزان بسیار ضروری است؛ در امتحانات نهایی در بخش عمده‌ای از سوالات «جاگذاری لغات» و «با دانش خود کامل کنید» از همین نوع اصطلاحات می‌آید. ما در این کتاب، کلی کلمات هم‌نشین آورده‌ایم تا هم دامنه لغات شما را بالا ببریم و هم مشکل امتحانات مدرسه‌ای و نهایی شما را حل کنیم. لطفاً تا این اصطلاحات را یاد نگرفتی تمرین‌هایش را حل نکن! در ضمن اصطلاحات **قرمز** فراتر از حد کتاب درسی است.

Collocations

• lower one's voice	پایین آوردن صدای خود	• blood pressure	فشار خون	• be born in	متولد شدن در
• elderly people	افراد سالمند	• take advice	پندگرفتن، پذیرفتن توصیه	• found a center	تأسیس کردن یک مرکز
• take care of sb	مراقبت کردن از کسی	• improve one's life	بهبودبخشیدن زندگی کسی	• close friend	دوست صمیمی
• brain function	عملکرد مغز	• have a good memory	حافظه خوبی داشتن	• be regarded as	در نظر گرفته شدن به عنوان
• match sth with sth	وصل کردن چیزی به چیزی	• the following sentences	جملات زیر	• teach medicine	تدریس کردن پزشکی
• family members	اعضای خانواده	• team members	اعضای تیم	• oral question	سؤال شفاهی
• donate blood	اهدا کردن خون	• donate money	اهدا کردن پول	• spare no pain	از هیچ کوششی دریغ نکردن
• appropriate time	زمان مناسب	• positive answer	پاسخ مثبت	• be friendly to sb	صمیمی بودن با کسی
• negative reaction	واکنش منفی	• a loving family	یک خانواده با محبت	• distinguished physician	پزشک برجسته
• medical center	مرکز پزشکی	• catch the flu	آنفلوآنزا گرفتن	• practice medicine	طبابت کردن
• catch a bus / train	سوار اتوبوس / قطار شدن	• stay awake	بیدار ماندن	• by the way	در ضمن، راستی
• stay calm	آرام ماندن	• take temperature	دمای بدن کسی را گرفتن	• medical center	مرکز پزشکی
• be sure about	مطمئن شدن درباره چیزی	• sense of appreciation	حسن قدردانی	• not surprisingly	جای تعجب نیست که
• receive diploma	دریافت کردن دیپلم			• receive one's diploma	دیپلم گرفتن
				• as a matter of fact	در حقیقت

دانش آموزان عزیز، نام چهار نفر از افراد مشهور در کتاب دانش آموز ذکر شده و احتمال این که در سوالات نهایی از آن‌ها استفاده شود خیلی زیاد است. مخصوصاً در پاراگراف نویسی که موضوع درس سوم است. پس این شما و این هم بخش کوچکی از زندگی نامه این مردان بزرگ.

Why are these people important?

چرا این افراد مهم هستند؟

Rizali Khajavi	Hassan Omidzadeh	Jabbar Baghcheban	Abbass Babaei
			

Rizali Khajavi (Dehghan-e-Fadakar) is known as a national hero and his story is taught in Iranian schools. In a cold winter, he took off his coat and tied it to a stick and set it on fire while running toward an express train and screaming danger to draw the train driver's attention to the landslide. The driver managed to stop the train and a tragic accident was prevented.

hero	tie	express	scream	landslide	manage	tragic
قهرمان	گرمزدن	سریع‌السیر	دادزدن	رانش کوه	توانستن	غم‌انگیز

ریزعلی خواجه‌جوی (دهقان فداکار) به عنوان یک قهرمان ملی شناخته می‌شود و داستان او در مدارس ایرانی تدریس می‌شود. در یک زمستان سرد، او در حالی که به سمت قطار سریع‌السیر می‌دوید و فریاد می‌زد «خطر» تا راننده قطار را متوجه رانش کوه بکند، کتتش را در آورد، آن را به چوب بست و آتش زد. راننده قطار توانست قطار را متوقف کند و از یک تصادف غم‌انگیز جلوگیری شد.



Hassan Omidzadeh was a devoted teacher who worked in a primary school in a small village in the north of Iran. One day the school caught fire and his 30 students were stuck in the fire. He risked his life to save the kids. He was severely burnt and struggled with the injuries of the burn wounds for many years. He passed away 15 years after the accident.

devoted	primary	be stuck in	risk	severely	struggle	injury	wound
فداکار	ابتدایی	گیرافتادن	ریسک کردن	به شدت	مبارزه کردن	جراحت	زخم

حسن امیدزاده معلم فداکاری بود که در یک مدرسه ابتدایی در روستای کوچکی در شمال ایران کار می کرد. روزی مدرسه آتش گرفت و سی دانش آموز او در آتش گیر افتاده بودند. او زندگی خود را به خطر انداخت تا بچه ها را نجات دهد. او به شدت سوخت و با زخم های ناشی از سوختگی تا سالیان زیادی در مبارزه بود. او پانزده سال بعد از آن حادثه درگذشت.

Jabbar Baghcheban is well-known for opening the first Iranian kindergarten and the first deaf school for Iranian kids. He is the author of the book *Method of Teaching the Deaf* in which he explained his unique method of teaching the deaf, known as 'oral hand alphabet system'. He devoted his life to speech training of Iranian deaf students. Now, there are plenty of Baghcheban schools all across the country for deaf kids.

opening	kindergarten	deaf	author	unique	speech training	plenty	all across
افتتاحیه	کودکستان	ناشنوا	نویسنده	منحصربه فرد	گفتاردرمانی	زیاد	در سرتاسر

جبار باغچه بان به خاطر تأسیس اولین کودکستان ایرانی و اولین مدرسه ناشنوایان برای بچه های ایرانی شناخته شده است. او نویسنده کتاب «روش تدریس ناشنوایان» است که در آن روش منحصربه فرد خود در تدریس به ناشنوایان را، که به عنوان «سیستم الفبایی دستی شفاهی» شناخته شده است، توضیح می دهد. او زندگی خودش را وقف آموزش گفتاردرمانی به دانش آموزان ناشنوای ایرانی کرد. اکنون تعداد زیادی از مدارس باغچه بان در سرتاسر ایران برای بچه های ناشنوا وجود دارد.

Abbas Babaei is known as one of the greatest war heroes of Iran. He was an Air Force pilot. During the Iran-Iraq War, he took part in several successful missions to defend our country. Babaei was martyred when he was returning from one of his missions on the day of Qorban Eid.

Air Force	war	take part in	mission	martyr	feast
نیروی هوایی	جنگ	شرکت کردن در	ماموریت	شهید شدن	عید

عباس بابایی به عنوان یکی از بزرگ ترین قهرمانان جنگی ایران شناخته شده است. او خلبان نیروی هوایی بود. در طی جنگ ایران و عراق او در چندین مأموریت موفق برای دفاع از کشورمان شرکت کرد. بابایی هنگام بازگشت از یکی از مأموریت هایش در روز عید قربان به شهادت رسید.

New Words and Expressions, Reading, Vocabulary Development

• actually (adv.)	در واقع	• generate (v.)	تولید کردن	• normal (adj.)	نرمال، عادی
• aloud (adv.)	با صدای بلند	• generation (n.)	نسل، تولید، ایجاد	• once (adv.)	زمانی
• burst (v.)	ترکیدن	• grandchild (n.)	نوه	• page (n.)	صفحه
• calmly (adv.)	به طور آرام	• happen (v.)	اتفاق افتادن	• pause (n.)	مکث
• common (adj.)	مشترک، رایج	• heavy (adj.)	سنگین	• pigeon (n.)	کبوتر
• comprehension (n.)	درک مطلب	• hug (v.)	بغل کردن	• politely (adv.)	مؤدبانه
• collocation (n.)	همایند، هم نشین	• keep (v.)	نگه داشتن، ادامه دادن	• practice (v.)	تمرین کردن
• column (n.)	ستون	• kiss (v.)	بوسیدن	• process (n.)	فرایند، جریان
• description (n.)	توصیف	• lap (n.)	پا، بغل، دامان، آغوش	• provide (v.)	فراهم کردن، تأمین کردن
• develop (v.)	توسعه دادن	• later (adv.)	بعداً	• quantity (n.)	کمیت
• diary (n.)	دفترچه یادداشت روزانه	• lovingly (adv.)	بالمحبت	• quiet (adj.)	آرام
• feed (v.)	غذا دادن به	• loud (adj.)	بلند	• quietly (adv.)	به آرامی
• feeling (n.)	احساس	• main (adj.)	اصلی، عمده	• reason (n.)	دلیل
• forgive (v.)	بخشیدن	• native (adj.)	بومی	• record (v.) (n.)	ثبت، ثبت کردن



• repeatedly (adv.)	به طور مکرر	• sofa (n.)	مبل	• suddenly (adv.)	به طور ناگهانی
• reply (v.)	پاسخ دادن	• sound (v.)(n.)	به نظر رسیدن، صدا	• text (n.)	متن
• respect (v.) (n.)	احترام، احترام گذاشتن	• spring (n.)	بهار	• third (adj.)	سوم
• second (n.) (adj.)	ثانیه، دوم	• starter (n.)	شروع کننده	• thought (n.)	اندیشه
• shout (v.)	فریاد زدن	• strategy (n.)	استراتژی، راهبرد		
• skim (v.)	مرور سریع کردن	• step (v.)	گام		

Collocations

• sit on the sofa	نشستن روی مبل	• on the other hand	از طرف دیگر	• care for sb	مراقب کسی بودن
• shout at sb	داد زدن سر کسی	• quick meal	غذای آماده	• native speaker	گوینده بومی
• sit on one's lap	نشستن روی پای کسی	• do exercise	انجام دادن تکالیف	• main ideas	ایده های اصلی
• talk politely	مؤدبانه صحبت کردن	• on the right	در سمت راست	• refer to	اشاره داشتن به
• speak calmly	به طور آرام صحبت کردن	• hug sb	بغل کردن کسی	• sound right	درست به نظر رسیدن
• keep a diary	ثبت کردن یادداشت های روزانه	• feed the pigeons	غذادادن به کبوتران	• fast food	فست فود
• read a newspaper	خواندن روزنامه	• speak louder	بلندتر صحبت کردن	• make a mistake	اشتباه کردن
• be hard of hearing	سنگین بودن گوش	• burst into tears	ترکیدن بغض	• on the left	در سمت چپ
• read aloud	بلندخواندن	• be angry with	از دست کسی عصبانی بودن	• look for	جست و جو کردن
• reading strategy	استراتژی خواندن	• record one's thought	ثبت کردن اندیشه خود	• feel well	حال خوش داشتن
• generate question	ایجاد کردن / ایجاد سؤال	• on a spring morning	در یک صبح بهاری	• hard of hearing	سنگین گوش
• go together	با هم آمدن (همایند بودن)	• open a page	صفحه ای را باز کردن	• strong wind	باد قوی (شدید)
		• heavy rain	باران سنگین		

Grammar, Listening and Speaking, Writing, What You Learned

• accidentally (adv.)	به طور تصادفی	• create (v.)	خلق کردن، ایجاد کردن	• hope (v.)	امیدوار بودن
• activity (n.)	فعالیت	• culture (n.)	فرهنگ	• housewife (n.)	(زن) خانه دار
• agreement (n.)	توافق، موافقت	• difference (n.)	تفاوت، تمایز	• hungry (adj.)	گرسنه
• author (n.)	نویسنده	• discover (v.)	کشف کردن	• importantly (v.)	مهم این که، اساساً
• belong (v.)	تعلق داشتن به	• dishwasher (n.)	ظرف شور، ماشین ظرفشویی	• including (pre.)	من جمله، از قبیل، شامل
• belonging (n.)	متعلقات	• doer (n.)	انجام دهنده	• inspiration (n.)	الهام
• blessing (n.)	رحمت، برکت	• during (prep.)	در طی	• install (v.)	نصب کردن
• bring (v.)	آوردن	• education (n.)	آموزش، تحصیل	• interestingly (adv.)	جالب این که، به طور جالبی
• boring (adj.)	خسته کننده	• either ... or ... (pro.)	یا ... یا	• invent (v.)	اختراع کردن
• cancer (n.)	سرطان	• elicit (v.)	بیرون کشیدن، استنباط کردن	• inventor (n.)	مخترع
• childhood (n.)	دوران کودکی	• emotion (n.)	عاطفه	• laptop (n.)	لپ تاپ
• choice (n.)	انتخاب	• enjoyable (adj.)	لذت بخش	• language (n.)	زبان
• collection (n.)	مجموعه	• ethic (n.)	اخلاق	• light bulb (n.)	لامپ روشنایی
• combination (n.)	ترکیب	• find (v.)	پیدا کردن	• mention (n.) (v.)	بیان، ذکر کردن
• combine (v.)	ترکیب کردن	• fix (v.)	تعمیر کردن	• moral (adj.)	اخلاقی
• comfortable (adj.)	راحت	• guideline (n.)	خط مشی، روش	• on top of (expr.)	بالای، در صدر
• compound (adj.)	مرکب	• happen (v.)	اتفاق افتادن	• ordinary (adj.)	عادی، نرمال
• condition (n.)	شرط	• health (n.)	سلامت، سلامتی	• pancake (n.)	نان شیرینی
• confirm (v.)	تأیید کردن	• hate (v.)	تنفرداشتن	• pass (v.)	قبول شدن، گذشتن
• contrast (n.)	تضاد، تقابل	• heritage (n.)	میراث	• peaceful (adj.)	صلح آمیز



• pink (adj.)	صورتی	• replace (v.)	جایگزین کردن	• suitable (adj.)	مناسب
• poet (n.)	شاعر	• result (n.)	نتیجه	• technology (n.)	تکنولوژی، فناوری
• poetry (n.)	فن شاعری	• rule (n.)	مقررات، قانون	• tool (n.)	ابزار
• principle (n.)	اصل	• scientist (n.)	دانشمند	• translate (v.)	ترجمه کردن
• product (n.)	محصول، فرآورده	• serious (adj.)	جدی	• uncertainty (n.)	عدم قطعیت، نامعلومی
• protect (n.)	محافظت کردن	• signal (n.)	علامت	• value (n.)	ارزش
• proud (adj.)	مغرور، مفتخر	• similar (adj.)	شبهه، یکسان	• willing (adj.)	مشتاق
• quite (adv.)	کاملاً	• smart (adj.)	هوشمند	• wear (v.)	پوشیدن
• rarely (adv.)	به ندرت	• solution (n.)	راه حل	• weave (v.)	بافتن
• regarding (prep.)	راجع به، در خصوص	• sometime (adv.)	گاه گاهی	• wonderful (adj.)	شگفت انگیز
• religious (adj.)	مذهبی	• special (adj.)	خاص، ویژه	• wrong (adj.)	نادرست، غلط
• remember (v.)	به خاطر سپردن	• simple (adj.)	ساده		

Collocations

• receive education	دریافت کردن آموزش	• at least	حداقل	• ordinary people	افراد عادی
• translate into	ترجمه کردن به	• make an omelet	املت درست کردن	• write an email	نوشتن ایمیل
• fix the car	تعمیر کردن ماشین	• make a choice	انتخاب کردن	• pass the exam	قبول شدن در امتحان
• find solution	یافتن راه حل	• wear dress	لباس پوشیدن	• signal uncertainty	نشان دادن عدم اطمینان
• passive voice	وجه مجهول	• sense of belonging	حس تعلق	• be wrong with sb/sth	برای کسی / چیزی مشکل پیش آمدن
• smart phone	گوشی هوشمند	• learn by heart	از بر کردن، حفظ کردن	• compound sentence	جمله مرکب
• for instance	به عنوان مثال	• around the world	در سرتاسر جهان	• simple sentence	جمله ساده
• do experiment on	آزمایش کردن روی	• discover penicillin	کشف پنی سیلین	• make a difference	تفاوت ایجاد کردن
• computer games	بازی های کامپیوتری	• cure cancer	درمان کردن سرطان	• take a rest	استراحت کردن
• mention the doer	ذکر کردن کننده کار	• develop a product	توسعه دادن یک محصول	• be proud of	افتخار کردن به
• weave a carpet	فرش بافتن	• by accident	تصادفی	• sense of identity	حس هویت
• elicit agreement	موافقت گرفتن	• microwave oven	فر ماکروویو	• set of rules	مجموعه مقررات
• confirm facts	تأیید کردن حقایق	• at all	به هیچ وجه، اصلاً		
• health condition	شرایط سلامتی				

Grammar

دستور زبان

وجه مجهول

با شعری از سیمین بهبهانی شروع می کنیم:

بچه ها صبحتان بخیر، سلام
 فعل مجهول چیست می دانید؟
 جمله معلوم جمله ای است که دارای فاعل، فعل (متعدی) و مفعول باشد.
 می رویم سراغ یک شعر از حکیم ابوالقاسم فردوسی که دارای فاعل و فعل و مفعول است:
 به روز نبرد آن یل ارجمند
 برید و درید و شکست بست
 به شمشیر و خنجر به گرز و کمند
 یلان را سر و سینه و پا و دست.

مفعول	فعل (متعدی)
سر	برید
سینه	درید
پا	شکست
دست	بست

forget	forgot	forgotten	فراموش کردن
take	took	taken	بردن / طول کشیدن
get	got	got / gotten	شدن / به دست آوردن
eat	ate	eaten	خوردن
fall	fell	fallen	افتادن
quit	quit / quitted	quit / quitted	متوقف کردن

طریقه تبدیل معلوم به مجهول زمان حال ساده

مثال:

She makes pancakes every morning.

Pancakes

Pancakes are

Pancakes are made

Pancakes are made by her every morning

او هر روز نان شیرینی درست می کند.

۱) مفعول جمله معلوم را به ابتدای جمله می آوریم.

۲) فعل to be متناسب با زمان جمله می آوریم. (am-is-are)

۳) قسمت سوم فعل اصلی جمله معلوم را می آوریم.

۴) حرف اضافه by را می نویسیم و معادل ضمیر فاعلی، ضمیر مفعولی می آوریم.

خلاصه حال ساده مجهول

قید زمان + کننده کار + am / is / are + p.p + by + نایب فاعل

قیده‌های حال ساده مجهول

جمله قبلی	قیده‌های تکرار	قوانین	عادات	every day و مشتقات
-----------	----------------	--------	-------	--------------------

مثال:

- Active: She cleans the rooms every day.
- Passive: The rooms are cleaned (by her) every day.

ترجمه:

● معلوم: او هر روز اتاق‌ها را تمیز می کند.

● مجهول: اتاق‌ها هر روز توسط او تمیز می شود.

نکته: برای سوالی کردن حال ساده مجهول جای فعل‌های کمکی (am, is, are) را با نایب فاعل عوض می کنیم و برای منفی کردن آن، not را به این فعل‌ها اضافه می کنیم.

مثال:

- Active: He buys two loaves of bread every day.
- Passive: Two loaves of bread are bought by him every day.
- Question: Are two loaves of bread bought by him every day?
- Negative: Two loaves of bread are not bought by him every day.

ترجمه:

● معلوم: او هر روز دو قرص نان می خرد.

● مجهول: دو قرص نان هر روز توسط او خریده می شود.

● سوالی: آیا دو قرص نان هر روز توسط او خریده می شود؟

● منفی: دو قرص نان هر روز توسط او خریده نمی شود.

طریقه تبدیل معلوم به مجهول زمان گذشته ساده

مثال:

Ali broke the window yesterday.

The window

The window was

The window was broken

علی دیروز پنجره را شکست.

۱) مفعول جمله معلوم را به ابتدای جمله می آوریم.

۲) فعل to be متناسب با زمان جمله می آوریم. (در گذشته was و were)

۳) قسمت سوم فعل اصلی جمله معلوم را می آوریم.

۴) حرف اضافه by را می نویسیم و معادل ضمیر فاعلی، ضمیر مفعولی می آوریم. (این مرحله اختیاری است).

The window was broken (by Ali / him) yesterday.



ترجمه:

- تام به سختی راه میره، این طور نیست؟
 - ما باران کمی در سال گذشته داشتیم، این طور نیست؟
- نکته ۲:** هر اسمی در دُم سوالی تبدیل به ضمیر می شود به غیر از ترکیبات there .

(there is / there are / there was / there were)

مثال:

- There was nothing in the box, was there?
- Amir speaks English fluently, doesn't he?

ترجمه:

- در جعبه چیزی نیست، این طور نیست؟
 - امیر انگلیسی را روان صحبت می کند، این طور نیست؟
- نکته ۳:** در جملات شرطی که، در درس سوم پایه یازدهم آموختید، دُم سوالی مطابق پاسخ شرط می آید.

مثال:

- If you study your lessons very hard, you will pass them successfully , won't you?
قسمت شرط پاسخ شرط
- Shirin will help us if we ask her, won't she?

ترجمه:

- اگر شما درس هایتان را خیلی جدی بخوانید، شما آن ها را با موفقیت می گذرانید، این طور نیست؟
- شیرین به ما کمک می کند، اگر از او بخواهیم، این طور نیست؟

Writing

نگارش

جملات مرکب

(and . but . or . so)

حروف ربط عبارت اند از:

حروف ربط برای پیوند دادن دو جمله ساده به کار می روند. (جمله دوم + حرف ربط + کاما + جمله اول)

۱ حرف ربط and: برای بیان کارهای مشابه استفاده می شود.

مثال:

- I get up early in the morning. I make an omelet myself.
- I get up early in the morning, and I make an omelet myself.

ترجمه:

- من صبح زود بیدار می شوم. من برای خودم املت درست می کنم.
 - من صبح زود بیدار می شوم و برای خودم املت درست می کنم.
- ۲ حرف ربط but:** برای بیان تضاد و تفاوت استفاده می شود. (یعنی جمله دوم در تضاد با جمله اول به کار می رود).

مثال:

- The book was boring. Tom had to read the book.
- The book was boring, but Tom had to read it.

ترجمه:

- کتاب خسته کننده بود. تام مجبور بود کتاب را بخواند.
 - کتاب خسته کننده بود، اما تام مجبور بود آن را بخواند.
- ۳ حرف ربط or:** برای انتخاب یک مورد از بین دو گزینه استفاده می شود.

مثال:

- You should do your homework. You should wash the dishes.
- You should do your homework, or (you should) wash the dishes.

ترجمه:

- شما باید تکالیفتان را انجام دهید. شما باید ظرف ها را بشوید.
- شما باید تکالیفتان را انجام دهید، یا شما باید ظرف ها را بشوید.



۴ حرف ربط so: (در نتیجه) بیانگر این است که جمله دوم نتیجه جمله اول است.

مثال:

- Saeed studied hard for the exam. Saeed passed the exam.
- Saeed studied hard for the exam, so he passed it.

ترجمه:

- سعید برای امتحان جدی مطالعه کرد. سعید امتحان را پاس کرد.
- سعید برای امتحان جدی مطالعه کرد، در نتیجه او آن را پاس کرد.

Exam Questions

سوالات امتحانی

Title Page, Get Ready, Conversation

۱ در هر بخش جاهای خالی جملات را با کلمات داده شده کامل کنید. (یک کلمه اضافی است.)

(advice / elderly / lower / pressure / sense / strength / successful)

1. He was under _____ to do his homework.
2. Please _____ your voice. I am busy studying.
3. Teenagers who help others are _____ in their lives.
4. We should help _____ people in doing their daily activities.
5. Listening to the _____ of older people can improve our lives.
6. Roya has a good _____ of appreciation. That's why her parents love her.

(appropriate / behavior / donate / function / kindness / improve / increase)

7. We must _____ blood to those who need it.
8. The _____ of the heart is to send blood all over the body.
9. We need to _____ our living conditions to the highest level.
10. We should learn the social _____ of the people who speak a language.
11. Did you know that _____ boosts energy and strength in elderly people?
12. They are going to _____ the working hours from 35 to 40 hours in the near future.

(cruel / famous / member / polite / positive / respect / take care of)

13. He is an active _____ of our club.
14. It is _____ to keep the birds in the cages.
15. He is a _____ person. All the people know him.
16. If teachers _____ their students, they will learn to do so.
17. It is not _____ to ask how much money one earns in English.
18. My mother told us to _____ ourselves while climbing the mountain.

(abroad / center / guess / lazy / physician / temperature / terrible)

19. Dr. Hesabi went _____ to continue his studies.
20. Most of the people like to be at the _____ of attention.
21. The highest _____ is reported from Ahvaz during the past 24 hours.
22. He caught a(n) _____ flu, so he couldn't attend his English class.
23. Can you _____ which football team will win the world cup in Qatar?
24. Dr. Gharib became a(n) _____, and came back to his homeland in 1316.

(dedicated / found / lovely / regarded / sure / receive / unconditionally)

25. Parents love their children _____.
26. At what age did you _____ your diploma?
27. Not surprisingly, he was regarded as a _____ physician.
28. Did Dr. Gharib _____ the first Children's Medical Center in Iran?
29. She said that her _____ son repeated the same question 15 times.
30. They were _____ that they would pass their final exam successfully.



۲ در هر بخش با توجه به تصاویر داده‌شده، جملات زیر را بخوانید و جمله مناسب برای هر تصویر را انتخاب کنید. (در بخش دوم، یک جمله اضافی است.)



31. Children should respect their parents.
32. We have to take care of elderly people.
33. Family members should listen to each other.
34. We can help many people by donating what they need.



35. Family members are interested in studying.
36. The brain can record a large amount of information.
37. This Persian textbook reminds me of school years.
38. Kindness boosts energy and strength in elderly people.
39. The man needs to be taken care of because of backache.

۳ برای هر تعریف داده‌شده در ستون A، یک کلمه از ستون B انتخاب کنید. (در ستون B یک کلمه اضافی است.)

A	B
40. how hot or cold a thing or a place is	a) blood
41. an understanding about something	b) teenager
42. the middle point or part of something	c) temperature
43. a course of study at a college or university	d) medicine
44. a person who is between 13 and 19 years old	e) physician
45. a doctor, especially one who is a specialist in general medicine	f) center
46. the red liquid that flows through the bodies of humans and animals	g) diploma
	h) sense

۴ مناسب‌ترین گزینه را انتخاب کنید.

47. He got _____ scores than the other students in her class. That's why he is unhappy.

a) better	b) higher	c) lower	d) nicer
-----------	-----------	----------	----------
48. They have _____ the prices in this store.

a) destroyed	b) donated	c) cared	d) increased
--------------	------------	----------	--------------
49. Parents should be _____ by their children.

a) respected	b) selected	c) followed	d) checked
--------------	-------------	-------------	------------
50. They are trying to _____ their living conditions.

a) describe	b) improve	c) appreciate	d) function
-------------	------------	---------------	-------------
51. She doesn't feel well. We must _____ her temperature.

a) get	b) make	c) do	d) take
--------	---------	-------	---------
52. The first children's medical _____ was found by Dr. Gharib in 1347.

a) center	b) textbook	c) disease	d) research
-----------	-------------	------------	-------------



53. My friend was born in Tehran 1385.
 a) in b) on c) at d) by
54. This school was built by a man. He donated \$ 100, 000.
 a) serious b) generous c) famous d) cruel
55. He no pains to help his countrymen who were in bad conditions.
 a) spared b) cured c) regarded d) received
56. Thousands of students are taught by this distinguished physician.
 a) diploma b) disease c) medicine d) temperature

Collocations

جاهای خالی جملات زیر را با در نظر گرفتن کلمات هم‌نشین کامل کنید. (حرف اول و تعداد حروف مشخص شده.)

57. We have to speak louder, because my grandfather is h - - - of hearing. (خرداد ۹۸)
58. Dr. Gharib was regarded as a d - - - - - physician and he spared no pains to help sick people. (خرداد ۹۸)
59. They have to speak louder, because their grandmother is hard of h - - - - -. (شهریور ۹۸)
60. He has a good m - - - - . He never forgets anything.
61. The teacher told us to answer the questions o - - - - -, not in written form.
62. He was taken to the hospital because of his high b - - - - pressure.
63. Ailin: Are you s - - - about it?
 Maha: No, I'm only guessing.
64. We must take care of e - - - - - people. They need care and attention.
65. The team m - - - - - promised to do their best to win the match.
66. Dr. Gharib was b - - - in Tehran in 1288.
67. Have you seen Dr. Gharib TV s - - - - -?
68. The Children's Medical Center was f - - - - - by Dr. Gharib in 1347.
69. The teacher asked us to m - - - - the pictures with the sentences.
70. Who takes c - - - of your children when you are out at work?
71. The doctor t - - - my temperature and said there was no problem.

New Words and Expressions, Reading, Vocabulary Development

در هر بخش جاهای خالی جملات را با کلمات داده‌شده کامل کنید. (یک کلمه اضافی است.)

(diary / forgive / calmly / record / repeatedly / tears / thought)

72. I have kept a for twelve years.
73. Please me for not taking you seriously.
74. The brain can a large amount of information.
75. My sister burst into when she saw her score.
76. I've told my children to talk politely to their teachers.
77. He spoke so about the accident that we were surprised.
 (actually / hearing / keep / lovingly / quietly / reply / shout)
78. The old woman hugged his son
79. I said good morning to him, but he didn't
80. He left the meeting without saying anything.
81. It isn't necessary to My ears are as good as yours.
82. Why do you asking me the same question repeatedly?
83. I wonder if she is hard of She didn't react to my question.
 (deserve / main / meaningful / provided / reason / whereby)
84. They to be appreciated for what they did.
85. He wanted to know the for my being late.



- 86. Tell me the _____ points , leave the details for the future.
- 87. The information _____ by the book was not good enough.
- 88. There is no _____ difference between these two dictionaries.

Collocations

جاهای خالی جملات زیر را با در نظر گرفتن کلمات هم‌نشین کامل کنید.

- 89. We have to speak louder, because my grandfather is _____ of hearing. (خرداد ۹۸)
- 90. In Germany people usually _____ each other when they meet. (خرداد ۹۸)
- 91. I have recorded my thoughts and feelings in my _____ every day for 10 years. (شهریور ۹۸)
- 92. The baby enjoys sitting on her mother's _____. (خرداد ۹۹)
- 93. I have told Mohsen _____ to talk politely to his teacher. (شهریور ۹۸)
- 94. My uncle went to his son and _____ him. (دی ۹۹)
- 95. He started reading _____ .
- 96. We must _____ for our parents.
- 97. A: Did you feed the cats?
B: Yes, I _____ them.

کدام هم‌نشین صحیح است؟

- 98. sit in the sofa or sit on the sofa?
- 99. shout at sb or shout in sb?
- 100. sit on one's lap or sit in one's lap?
- 101. take a diary or keep a diary ?
- 102. in the other hand or on the other hand ?
- 103. fast meal or quick meal ?
- 104. fast food or quick food?
- 105. make exercise or do exercise?
- 106. in the right or on the right?
- 107. burst into tears or burst for the tears?
- 108. on a spring morning or in a spring morning?
- 109. be angry with or be angry in?
- 110. look for sth to buy or look after sth to buy?
- 111. take temperature or make temperature?
- 112. make a mistake or do a mistake?

با توجه به کلمه یا عبارت داده‌شده در سؤال، تصویر مناسب با آن را انتخاب کنید.

a	b	c	d	e
f	g	h	i	j





113. diary
114. take care of someone
115. pigeon
116. read aloud
117. hard of hearing
118. burst into tears
119. sit on the lap
120. hug sb
121. shout at sb
122. sitting on the sofa

10 برای هر کلمه یا عبارت داده شده در سؤال، کلمه یا عبارت متناسب با آن را از بین کلمات و عبارات زیر انتخاب کنید.
(pigeon / burst into tears / calmly / diary / forgive / hard of hearing / repeatedly / reply)

123. many times
124. a kind of bird
125. give an answer
126. unable to hear clearly
127. to cry suddenly
128. in a quiet way
129. to stop being angry with someone
130. a book in which you record your thoughts and feelings

(خارج از کشور-۹۸)

(خرداد-۹۸)

(شهریور-۹۸)

(خرداد-۹۸)

11 با توجه به مفهوم هر جمله، مناسب‌ترین گزینه را انتخاب کنید.

131. What he said was not _____ to us. We asked him to repeat it once more.

- | | |
|------------------|--------------|
| a) meaningful | b) generous |
| c) distinguished | d) important |

132. He gave a full _____ of what had happened on the way to school.

- | | |
|------------------|---------------|
| a) comprehension | b) strategy |
| c) description | d) vocabulary |

133. Wear clothes that _____ enough protection against the cold.

- | | | | |
|-------------|------------|-----------|-------------|
| a) generate | b) provide | c) follow | d) describe |
|-------------|------------|-----------|-------------|

134. When my mother saw my score, she _____ at me angrily.

- | | | | |
|------------|------------|--------|-----------|
| a) shouted | b) watched | c) saw | d) fought |
|------------|------------|--------|-----------|

135. Students should _____ their teachers for their help and kindness.

- | | | | |
|-------------|-------------|-----------|---------------|
| a) remember | b) generate | c) select | d) appreciate |
|-------------|-------------|-----------|---------------|

136. It _____ takes me 20 minutes to get to my work.

- | | | | |
|-------------|------------|-----------|-------------|
| a) normally | b) finally | c) hardly | d) suddenly |
|-------------|------------|-----------|-------------|

137. She had to _____ speaking English before the interview.

- | | | | |
|-----------|-------------|------------|-----------|
| a) repeat | b) practice | c) forgive | d) follow |
|-----------|-------------|------------|-----------|

138. What's your _____ for shouting at him angrily?

- | | | | |
|-------------|------------|-----------|-------------|
| a) question | b) process | c) reason | d) quantity |
|-------------|------------|-----------|-------------|

139. I said good morning to him in French and he _____ in the same language.

- | | | | |
|-------------|------------|------------|-------------|
| a) reviewed | b) located | c) replied | d) recorded |
|-------------|------------|------------|-------------|

140. A _____ wind was blowing from the west.

- | | | | |
|----------|-----------|------------|-----------|
| a) heavy | b) strong | c) general | d) normal |
|----------|-----------|------------|-----------|

141. Who says _____ is better than quality?

- | | |
|----------------|---------------|
| a) strategy | b) generation |
| c) description | d) quantity |



142. He can speak as fluently as a(n) _____ speaker.
 a) oral b) sudden c) native d) natural
143. The bag was so heavy that I couldn't _____ it.
 a) start b) carry c) weigh d) measure
144. Proper nouns are different from _____ nouns.
 a) interesting b) common c) helpful d) famous
145. I _____ know three foreign languages besides my mother tongue.
 a) terribly b) closely c) actually d) loudly
146. By learning _____, you can improve your vocabulary.
 a) situations b) descriptions
 c) collocations d) generations
147. When you have a high opinion of someone, in fact you _____ them.
 a) dedicate b) provide c) reply d) respect
148. You should learn question generations _____ with their possible answers.
 a) aside b) along c) among d) outside
149. I asked him to tell me the _____ points of the passage.
 a) main b) real c) quick d) heavy
150. I had no _____ why he left the meeting without saying goodbye.
 a) skill b) idea c) nature d) way
151. The question _____ by the teacher was hard to answer.
 a) matched b) combined c) provided d) skimmed
152. If you don't send me the _____, I can't attend the meeting.
 a) attention b) appreciation c) function d) location
153. It is not _____ to read in a dark room.
 a) important b) necessary
 c) possible d) meaningful
154. What's _____ with you? You are coughing again.
 a) mistake b) problem c) hard d) wrong
155. A collocation is two or more words that often _____ together.
 a) go b) do c) stay d) get

Reading

Respect Your Parents

On a spring morning, an old woman was sitting on the sofa in her house. Her young son was reading a newspaper. Suddenly a pigeon sat on the window.

156. What season was it?
 157. Where was the old woman sitting?
 158. What was her young son doing?
 159. Where did the pigeon sit?

The mother asked her son quietly, "What is this?" The son replied: "It is a pigeon". After a few minutes, she asked her son for the second time, "What is this?" The son said, "Mom, I have just told you, "It is a pigeon, a pigeon". After a little while, the old mother asked her son for the third time, "What is this?" This time the son shouted at his mother. "Why do you keep asking me the same question again and again? Are you hard of hearing?"

160. What does "this" refer to?
 161. How many times did the old woman ask the same question?
 162. Why did the boy shout at his mother?



A little later, the mother went to her room and came back with an old diary. She said, "My dear son, I bought this diary when you were born". Then, she opened a page and kindly asked her son to read that page. The son looked at the page, paused and started reading it aloud:

163. Where did the old woman go?
164. What did she bring?
165. When did she buy the diary?
166. What did the old woman ask her son to do?
167. How did the boy read the diary?

Today my little son was sitting on my lap, when a pigeon sat on the window. My son asked me what it was 15 times, and I replied to him all 15 times that it was a pigeon. I hugged him lovingly each time when he asked me the same question again and again. I did not feel angry at all. I was actually feeling happy for my lovely child.

168. Where was the little son sitting?
169. How many times did the old woman answer his son's question?
170. How did she hug her son?
171. Was the son's mother angry with him because of the questions?

Suddenly the son burst into tears, hugged his old mother and said repeatedly, "Mom, mom, forgive me; please forgive me." The old woman hugged her son, kissed him and said calmly, "We must care for those who once cared for us. We all know how parents cared for their children for every little thing. Children must love them, respect them, and care for them".

172. Who burst into tears?
173. Did he ask his mother to forgive him?
174. What did his mother do?
175. What did his mother say?

● ● ● ● ● Grammar, Listening and Speaking, Writing, What You Learned ● ● ● ● ●

۱۲ در هر بخش جاهای خالی جملات زیر را با کلمات داده شده کامل کنید. (یک کلمه اضافی است.)

(author / collection / countless / heart / inspiration / poets / special)

176. Do you know which _____ has written "The Old Man and the Sea"?
177. Hafez is known to be as one of the most famous Persian _____ of all time.
178. Hafez is mostly remembered for a _____ type of poetry that is called Ghazal.
179. Ferdowsi is known to be the _____ for many poets and authors around the world.
180. Tahereh Saffarzadeh began to learn the Holy Quran by _____ when she was 8 years old.
181. The Holy Quran has been translated into _____ languages including German, English and French.

(create / cure / discover / ordinary / product / solution / spare)

182. This kind of laptop is a new _____ of China.
183. Scientists are not _____ people like you and me.
184. Scientists have not found a way to _____ cancer yet.
185. Did Alexander Fleming _____ penicillin or someone else?
186. They want to _____ more jobs for the young people in this area.
187. The teacher wanted to know who knew the _____ to that math problem.

(agreement / condition / confirm / elicit / uncertainly / weave / wrong)

188. What's _____ with you? Are you sick?
189. My brother will _____ what I have told you.
190. She said she was in quite _____ with what I did.
191. It took her a long time to _____ that pretty carpet.
192. He was in good _____, although he was 95 years old.
193. He answered her question quite _____. She was not sure about it.

Collocations

۱۳ کلمات ستون A را به کلمات ستون B وصل کنید. (کلمات هم‌تشین)

A		B
194. receive	<input type="radio"/>	a) a solution
195. learn	<input type="radio"/>	b) a product
196. sense	<input type="radio"/>	c) cancer
197. find	<input type="radio"/>	d) accident
198. cure	<input type="radio"/>	e) education
199. develop	<input type="radio"/>	f) oven
200. by	<input type="radio"/>	g) the exam
201. microwave	<input type="radio"/>	h) agreement
202. pass	<input type="radio"/>	i) of identity
203. elicit	<input type="radio"/>	j) by heart

۱۴ کلمات ستون A را به کلمات ستون B وصل کنید. (کلمات هم‌تشین)

A		B
204. future	<input type="radio"/>	a) condition
205. compound	<input type="radio"/>	b) a dictionary
206. wear	<input type="radio"/>	c) proud of
207. comfortable	<input type="radio"/>	d) of belonging
208. be	<input type="radio"/>	e) of rules
209. sense	<input type="radio"/>	f) a dress
210. a set	<input type="radio"/>	g) a failure
211. install	<input type="radio"/>	h) plans
212. experience	<input type="radio"/>	i) shoes
213. health	<input type="radio"/>	j) sentences

۱۵ جاهای خالی جملات زیر را از دانش خود به انگلیسی کامل کنید. (حرف اول و تعداد حروف مشخص شده است.)

- 214. I h - - - John because he is selfish.
- 215. "But" is used for showing c - - - - - .
- 216. I am w - - - - - to help you with English.
- 217. He was so h - - - - that he ate three bowls of soup.
- 218. They found a peaceful s - - - - - to the problem.
- 219. The i - - - - - of the dead man is not known by the police.
- 220. We have much to learn from our parents r - - - - - our heritage.
- 221. The r - - - - of the research shows that housewives are the biggest group of TV viewers.

۱۶ مناسب‌ترین گزینه را از نظر مفهومی انتخاب کنید.

- 222. Emotions and _____ are used in Ghazals by Hafez a lot.
 - a) ethics
 - b) tablets
 - c) tools
 - d) rules
- 223. This poet drew his _____ from nature.
 - a) conversation
 - b) development
 - c) inspiration
 - d) translation
- 224. Did you know that radio was _____ by an Italian scientist called "Marconi"?
 - a) discovered
 - b) invented
 - c) matched
 - d) selected
- 225. Which communication power _____ do you use when making a speech?
 - a) texts
 - b) points
 - c) choices
 - d) tools



334. Their sister bought a new dress at a very low price,? (انسانی- خرداد ۹۹)
- a) doesn't she b) don't they c) didn't she d) didn't they
335. Zhila never says a word when she is sad,? (ریاضی، تجربی- خرداد ۹۹) پرتکرار
- a) isn't she b) did she c) doesn't she d) does she
336. They will buy a new house,? (شهریور ۹۹)
- a) won't he b) won't they c) will they d) will he
337. Your sister has passed the exam,? (دی ۹۹)
- a) didn't she b) hasn't she c) didn't you d) has she
338. Hamid doesn't say a bad word,? (انسانی، ریاضی، تجربی- خرداد ۱۴۰۰) پرتکرار
- a) did Hamid b) does he c) doesn't Hamid d) isn't he
339. His sister never behaves politely,? (شهریور ۱۴۰۱)
- a) does she b) doesn't she c) does he d) doesn't he
340. A: Hamid has not come to school. I've heard he is not well,? (خرداد ۱۴۰۱)
- B: Oh, yes. He has got the flu.
- a) has he b) have I c) hasn't Hamid d) is he

Listening and Speaking

۲۸ دانش آموز عزیز! به فایل صوتی شماره ۱ به دقت گوش دهید و سپس پاسخ صحیح را از بین گزینه‌های داده شده انتخاب کنید. (دی ۹۹)

341. Who are our elders?
- a) mothers and fathers b) fathers
c) mothers d) doctors
342. A: What do our elders teach us? B: They teach us how to
- a) accept and learn b) love and care
c) forgive and remember d) learn an answer
343. We have a responsibility to learn from their
- a) pain b) situation
c) wish d) wisdom

۲۹ دانش آموز عزیز! به فایل صوتی شماره ۴ به دقت گوش دهید و مکالمه زیر را با کلمه‌های صحیح کامل کنید. (دی ۹۹)

A: The programs on TV these days are the 344. Even with the hundred channels to 345. from, everything is 346.

B: You're 347. about that! I think it is because most TV programs are written for 348. There is nothing for older people to 349.

۳۰ دانش آموز عزیز! در این بخش به مکالمه بین سارا و پرستار گوش کنید و سپس جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید. (دی ۱۴۰۰)

Sara: It is so good that there are famous physicians in your hospital.

Nurse: Do you know Iran has always had great physicians and doctors and has been rich in 350. ?

Sara: It sounds interesting. Can you name some of them? I'd like to know them.

Nurse: Back in 351. , we can mention Avicenna.

Sara: Avicenna! Can you tell me more about him?

Nurse: Yeah, of course! He was a great 352. physician. He has written two great books. His 353. is a source of inspiration for many people.

Sara: That's so nice. I think I'll ask my dad to 354. us to Hamedan this summer.

Nurse: Yeah, I think that will be an exciting trip!



۳۹ جملات زیر را با کلمات داده شده کامل کنید.

(and, or, but, so)

419. I get up early in the morning, _____ I make an omelet myself. (شهریور ۹۹)
420. We can eat our lunch at the restaurant, _____ we can have it at home. (شهریور ۹۹)
421. They wanted to call you, _____ they did not have your phone number. (شهریور ۹۹)
422. That dictionary is expensive, _____ I can't buy it. (شهریور ۹۹)
423. Sepideh likes spaghetti, _____ her grandmother hates spaghetti. (دی ۹۹)
424. These shoes are not comfortable, _____ I will not buy them. (دی ۹۹)
425. They went to the restaurant, _____ ordered food. (دی ۹۹)
426. We can go by bus, _____ we can take a taxi. (دی ۹۹)
427. I got up early in the morning, _____ I made an omelet myself. (انسانی، معارف اسلامی - خرداد ۱۴۰۰) **پُر تکرار**
428. There is snow in the street, _____ it's not too cold. (انسانی، معارف اسلامی - خرداد ۱۴۰۰) **پُر تکرار**
429. We went to the restaurant _____ ordered food. (ریاضی، تجربی - خرداد ۱۴۰۰) **پُر تکرار**
430. That dictionary is expensive, _____ I can't buy it. (ریاضی، تجربی - خرداد ۱۴۰۰) **پُر تکرار**

۴۰ هر یک از جملات زیر را با انتخاب یک کلمه ربط (but, and, so, or) کامل کنید.

431. Shiva has an exam tomorrow, _____ she must study well tonight.
432. My English class is really enjoyable, _____ I have a lot of homework to do. (خرداد ۱۴۰۱)

۴۱ جملات زیر را با کلمات داده شده کامل کنید.

(and, or, but, so)

433. You lost the game, _____ if you want to succeed, you have to practice more.
434. You can take a bus, _____ you can take a taxi.
435. I went to the whiteboard, _____ I wrote the topic of the new lesson. (خرداد ۱۴۰۱)
436. My brother is a rich man, _____ my sister is poor.

۴۲ جمله زیر را با استفاده از تصاویر و یکی از کلمات ربط (but, so, or) کامل کنید و یک جمله مرکب معنادار بنویسید.



437. These shoes are small, _____ . (خرداد ۱۴۰۱)

(خرداد ۹۹)

۴۳ با توجه به مفهوم جمله اول و تصویر داده شده، در ادامه یک جمله بنویسید.



438. Many people are still becoming sick because of the COVID 19, so _____ .

439. Jimmy seems very tired, but _____ .

(خرداد ۹۹ - علوم انسانی و معارف اسلامی)

۴۴ جملات برای ستون مناسب را A از ستون B انتخاب کرده و در پاسخ نامه بنویسید.

A	B
440. You can use mobile dictionary, or	a) I didn't have your number.
441. The roads were covered with ice, so	b) I looked out.
442. I wanted to call you, but	c) you can buy a pocket one.
443. I went to the window, and	d) it was not safe to drive.



What You Learned

دانش آموز عزیز، بخشی از این متن در کتاب درسی قید نشده. ما یونانی قسمت جافتاده رو براتون آوردیم (بین خودمون بمونه). شما کل متن رو بخونید. احتمال داره در آینده هم به عنوان متن شنیداری بیاد و هم به عنوان درک مطلب. متن رو ترجمه می‌کنیم و چندتا سوال می‌دیم. چندین بار این متن رو بخونید.

متن زیر را بخوانید و به سوالات داده شده پاسخ دهید. ۴۵

Dr. Asadi is answering this important question: "why is it important to care for our elders?" I think first of all we need to remember that they are our mothers and fathers, and our first teachers. They teach us how to love, how to care, how to forgive, and how to accept. Second, elders have more knowledge and wisdom than any one of us. They've come so far and they've learned so much, we have a responsibility to learn from that wisdom. But the most important thing is their experience. We may or may not know of all the ups and downs they've faced in life but they've definitely gained experience that is worth respecting and learning from. Our elders may hide much pain from us because they don't want us to feel the pain, the least we can do is appreciate them for all they've gone through and learn from their insight into situations.

Yet another important thing is our heritage and culture. We have much to learn from our parents regarding our heritage, to be proud of our past. This heritage and history brings a sense of belonging. Most importantly, it brings us a sense of identity of our past and the responsibility to protect it for our future generations.

What I can add at the end is the role of our parents' morals, values, and principles in our lives. Our elders have either learned, created or have been brought up with a set of morals, values and principles in their lives. Our elders want the best for us and they are willing to tell us what set of rules and guidelines have made them successful, and hopeful, peaceful.

444. Why is it important to respect and care for our elders?

445. What does the underlined word "they" refer to?

446. Why is our heritage important?

447. What should we do about our culture and heritage?

448. What do our parents do for us?

متن های تالیفی و امتحانات نهایی

متن زیر را بخوانید و به سوالات داده شده هر قسمت پاسخ دهید. ۴۶

(شهریور ۹۸)

Respect is a way of acting well or thinking highly about something or someone. You respect those who are important to you. You show your respect by being polite and kind. When you are impolite or act badly toward people, they may feel sad or angry. But whom should you respect the most?

You must care for those who always care for you. You know that your parents care for you for every little thing. You must love them, respect them, and care for them. Besides bringing you into the world, your parents spend their time, energy, and strength to make sure that you have what you need or want. Telling them that you thank them reflects the level of your respect for them.

The easiest way to show your love and respect is to tell them that you appreciate who they are and what they do. You can also do something small but meaningful, for example, wash the dishes, clean the kitchen after dinner or clean the rooms. Your parents will pay attention to and appreciate your acts of kindness. You may also tell your mom how well she cooks, or tell your dad how great he is at his job. For most of parents, any of these small things can be a sign of respect.

True / False

449. We respect those who are important to us for some reasons.

450. If you are impolite or act badly toward people, they feel important.

Choose the best answer.

451. We show our _____ by being polite to those we care for.

a) need

b) strength

c) happiness

d) respect

452. Telling your parents that you thank them _____ the level of your respect for them.

a) reflects

b) invents

c) imagines

d) shouts

سؤالات درس ۱ دوازدهم






تاریخ: / /

مدت امتحان: ۱۲۰ دقیقه

کلیه رشته‌ها

درس: زبان انگلیسی ۳ (دوازدهم)

ردیف	سؤالات	نمره												
1	به متن شنیداری شماره ۱ گوش دهید و به سؤالات داده شده پاسخ دهید. برای مشاهده فایل‌های صوتی، رمزینۀ مقابل را اسکن کنید. 1. Why hasn't Sam come to work? 2. What are the doctors doing?	۲												
2	به متن شنیداری شماره ۲ گوش دهید و به سؤالات داده شده پاسخ دهید. 3. Why is Amin busy these days? 4. What does Behzad think about health?	۲												
3	به متن شنیداری شماره ۳ گوش دهید و به سؤالات داده شده پاسخ دهید. 5. Where are they going? 6. Why does Mina prefer chess?	۲												
4	دانش‌آموزان عزیز، بعد از شنیدن مکالمه به سؤالات پاسخ کامل دهید. 7. Is the exhibition of Persian Art in Paris? 8. Does Mohadeseh like to invite her friend for the exhibition? 9. What will Pardis do if her friend invites her?	۳												
5	با توجه به تصاویر داده شده، جملات زیر را بخوانید و جمله مناسب برای هر تصویر را انتخاب کنید. (یک جمله اضافی است). <table border="1" style="width: 100%; text-align: center;"> <tr> <td>a</td> <td>b</td> <td>c</td> <td>d</td> </tr> <tr> <td></td> <td></td> <td></td> <td></td> </tr> </table> 10. Sitting on the sofa can be very amazing. 11. By donating blood, we can help our countrymen. 12. If you don't shout, she won't hear you well. 13. We should spend our time correctly. 14. Elders are not young enough to handle things.	a	b	c	d					۲				
a	b	c	d											
														
6	جملات زیر را با کلمات داده شده کامل کنید. (یک کلمه اضافی است). (aloud / burst / forgive / lower) 15. When she heard about her friend's death, she into tears. 16. The teacher asked the student to read the passage 17. Please me for my bad behavior.	۱/۵												
7	برای هر تعریف از ستون A، یک کلمه از ستون B انتخاب کنید. (در ستون B یک کلمه اضافی است). <table border="1" style="width: 100%;"> <tr> <th style="width: 50%;">A</th> <th style="width: 50%;">B</th> </tr> <tr> <td>18. all the people of about the same age within a society</td> <td>a) found</td> </tr> <tr> <td>19. a lack of success in doing something</td> <td>b) deserve</td> </tr> <tr> <td>20. to be grateful for</td> <td>c) generation</td> </tr> <tr> <td>21. to be worthy</td> <td>d) failure</td> </tr> <tr> <td></td> <td>e) appreciate</td> </tr> </table>	A	B	18. all the people of about the same age within a society	a) found	19. a lack of success in doing something	b) deserve	20. to be grateful for	c) generation	21. to be worthy	d) failure		e) appreciate	۲
A	B													
18. all the people of about the same age within a society	a) found													
19. a lack of success in doing something	b) deserve													
20. to be grateful for	c) generation													
21. to be worthy	d) failure													
	e) appreciate													




سؤالات درس ۱ دوازدهم

تاریخ: / /

مدت امتحان: ۱۲۰ دقیقه

کلیه رشته‌ها

درس: زبان انگلیسی ۳ (دوازدهم)

۱	جمله زیر را با کلمه‌ای مناسب از دانش خود کامل کنید. (با توجه به تعداد خط‌چین، حروف کلمه موردنظر را کامل کنید). 22. The f - - - - - of the eyes is to see.	8
۲	23. The chair which yesterday will be repaired soon. a) has broken b) was breaking c) broken d) was broken 24. The students not to talk during the exams. a) are telling b) have told c) were told d) told 25. I have heard that they are coming here tomorrow,? a) will they b) won't they c) are they d) aren't they 26. Amir never does his homework carelessly,? a) does Amir b) does he c) doesn't Amir d) doesn't he	9
۲	27. This center 5 years ago. (found) 28. When will the letter? (send) 29. I her yet. (meet) 30. She no mistakes, did she? (make)	10
۳	31. has / this / shown / times / movie / been / several / . 32. language / spoken / this / what / is / Asian/ in / country / ?	11
۱	جمله زیر را با استفاده از حالت مجهول کامل کنید. 33. Pigeons by my grandfather every day.  (feed)	12
۴	متن زیر را بخوانید و به سؤالات داده‌شده پاسخ دهید. Since we all are social beings, we should learn to respect others; especially our elders. One should be polite and helpful to them. Because sooner than as you could even imagine, you are going to be old too. A child is taught to respect elders by his parents at a very young age. Throughout school and college, he is <u>constantly</u> reminded of them while his personality develops. But still, we often forget to respect our elders. Respecting elders should come from within. There are many ways to show respect to them. For example, elders feel happy and honored when we include them in the decision making of the family. They are more experienced than us. So we should always ask for their advice. They also have walked the same path before us. Another way is listening to them and following the traditions which they have lived up to. We should also frequently visit them and invite them to our house too. We should often sit and eat with them. All this will help us to recognize and appreciate our elders. In the end, I would like to say, our elders are really valuable and we should appreciate them, for where would we be without them? 34. Why should we respect our elders? 35. What will happen when we include our elders in the decision making of the family? 36. Do we need our elders' advice? 37. What does the underlined word "constantly" mean? a) carefully b) effectively c) continuously d) finally	13



سوالات درس ۱ دوازدهم



تاریخ: / /

مدت امتحان: ۱۲۰ دقیقه

کلیه رشته‌ها

درس: زبان انگلیسی ۳ (دوازدهم)

۳	<p>متن زیر را بخوانید و به سوالات داده شده پاسخ دهید.</p> <p>A teenager is someone who is between 13 and 19 years old. They are called teenagers because the number of their age contains the suffix "teen". The word "teenager" is often related to adolescence. Most neurologists (brain doctors) consider the brain still developing into a person's early or mid-20s. A person becomes a teenager when they become 13 years old. It ends when they become 20 years old. Teenagers who are between 13 and 17 years old are considered both children and teenagers in most countries. Teenagers who are 18 and 19 years old may be regarded as both teenagers and adults.</p> <p>The way the word is used varies. Most societies have ceremonies to mark the change from childhood to adulthood. These ceremonies may be quite elaborate. During puberty, rapid mental and physical development <u>occurs</u>. Adolescence is the name for this transition period from childhood to adulthood.</p> <p>38. What is the definition of a teenager?</p> <p>39. When do teenage years end?</p> <p>40. The underlined word "occur" is closest in meaning to _____ .</p> <p>a) develop b) contain c) change d) happen</p> <p>elaborate: دارای جزئیات / adolescence: دوره نوجوانی / puberty: بلوغ</p>	14
۲	<p>برای هر یک از جملات زیر سوال بسازید.</p> <p>41. Hamid was reading on the sofa. (where)</p> <p>42. The old woman hugged her son lovingly. (How)</p>	15
۴	<p>جاهای خالی جملات زیر را با کلمات داده شده کامل کنید.</p> <p>between / countless / ethics / famous / inspiration / poetry / religious / remembered</p> <p>Hafez is known to be as one of the most 43. _____ Persian poets of all time. He was born some time 44. _____ the years 1310 and 1337 A.D. in Shiraz. In his childhood, he received 45. _____ education. He is called Hafez because he learned the Holy Quran by heart. Hafez is mostly 46. _____ for a special type of 47. _____ that is called Ghazal. Emotions and 48. _____ are used in Ghazals a lot. The collection of his poems is called Divan. It has been translated into 49. _____ languages including German, English and French. Hafez is known to be the 50. _____ for many poets and authors around the world.</p>	16
۲	<p>هر یک از جملات زیر را با انتخاب کلمات ربط so , or , and یا but کامل کنید. (شبه نهایی خرداد ۱۴۰۲ قم)</p> <p>51. I did not read the first chapter _____ jumped into the next part.</p> <p>52. Ali has a new shirt, _____ he never wears it.</p> <p>53. We can eat our lunch at the restaurant, _____ we can have it at home.</p> <p>54. They didn't invite me, _____ I didn't go to their party.</p>	17
۱/۵	<p>جملات زیر را با استفاده از یکی از کلمات ربط so , or , and یا but کامل کنید و یک جمله مرکب معنادار بنویسید.</p> <p>55. I said hello to him, but _____ .</p> <p>56. Maryam got up late, so _____ .</p>	18
۴۰	جمع نمره	

درس اول

کتاب دانش آموز

۲۵. (c): اعضای خانواده به مطالعه کردن علاقه مند هستند.
۲۶. (a): مغز می تواند مقدار زیادی از اطلاعات را ثبت کند.
۲۷. (d): این کتاب درسی فارسی سال های مدرسه را برای من تداعی می کند.
۲۸. مهربانی انرژی و توان را در افراد سالمند تقویت می کند (این جمله اضافی است).
۲۹. (b): این مرد به خاطر کمردرد نیاز دارد مورد مراقبت قرار بگیرد.
۴۰. temperature: این که یک شیء یا یک مکان چه قدر داغ یا سرد است. (درجه حرارت)
۴۱. sense: درک و فهم درباره چیزی (حس)
۴۲. center: نقطه یا بخش میانی در چیزی (مرکز)
۴۳. diploma: دوره مطالعاتی در دانشکده یا دانشگاه (دیپلم)
۴۴. teenager: کسی که بین ۱۳ تا ۱۹ سال دارد. (نوجوان)
۴۵. physician: پزشکی که متخصص طب عمومی است. (پزشک)
۴۶. blood: مایع قرمز رنگی که در بدن انسان ها یا حیوانات در جریان است. (خون)
۴۷. پاسخ صحیح گزینه c است.
- او نمرات پایین تری نسبت به دانش آموزان دیگر در کلاس گرفت. به همین دلیل ناراحت است.
- گزینه ها به ترتیب عبارتند از: بهتر - بالاتر - کمتر - قشنگ تر
۴۸. پاسخ صحیح گزینه d است.
- آن ها قیمت ها را در این مغازه افزایش داده اند.
- گزینه ها به ترتیب عبارتند از: از بین بردن - اهدا کردن - اهمیت دادن - افزایش دادن
۴۹. پاسخ صحیح گزینه a است.
- والدین باید مورد احترام بچه های شان باشند.
- گزینه ها به ترتیب عبارتند از: احترام گذاشتن - انتخاب شدن - پیروی کردن - کنترل کردن
۵۰. پاسخ صحیح گزینه b است.
- آن ها دارند تلاش می کنند تا شرایط زندگی شان را بهبود ببخشند.
- گزینه ها به ترتیب عبارتند از: توصیف کردن - بهبود بخشیدن - قدر دانی کردن - عمل کردن
۵۱. پاسخ صحیح گزینه d است.
- او حال خوشی ندارد. ما باید دمای او را (اندازه) بگیریم.
- توضیح: take temperature به معنای «دمای بدن کسی را گرفتن» است.
۵۲. پاسخ صحیح گزینه a است.
- اولین مرکز پزشکی بچه ها در سال ۱۳۴۷ توسط دکتر قریب تأسیس شد.
- گزینه ها به ترتیب عبارتند از: مرکز - کتاب درسی - بیماری - تحقیق
۵۳. پاسخ صحیح گزینه a است.
- دوستم سال ۱۳۸۵ در تهران متولد شد.
- توضیح: be born in به معنای «متولد شدن در» است.
۵۴. پاسخ صحیح گزینه b است.
- این مدرسه توسط یک مرد سخاوتمند ساخته شد. او صد هزار دلار اهدا کرد.
- گزینه ها به ترتیب عبارتند از: جدی - سخاوتمند - مشهور - ظالم
۵۵. پاسخ صحیح گزینه a است.
- او از هیچ کوششی برای کمک به هموطنانش که در شرایط بدی بودند دریغ نکرد.
- توضیح: spare no pain به مفهوم «از هیچ کوششی دریغ نکردن» است.
۵۶. پاسخ صحیح گزینه c است.
- (رشته) پزشکی به هزاران دانشجو توسط این پزشک برجسته آموزش داده می شود.
- گزینه ها به ترتیب عبارتند از: دیپلم - بیماری - پزشکی - درجه حرارت

۱. pressure: او برای انجام تکلیفش تحت فشار بود.
۲. lower: لطفاً صدایتان را پایین بیاورید. من مشغول مطالعه هستم.
۳. successful: نوجوانی که به دیگران کمک می کند در زندگی شان موفق هستند.
۴. elderly: ما باید به افراد سالمند در انجام فعالیت های روزمره شان کمک کنیم.
۵. advice: گوش دادن به نصیحت افراد مسن تری می تواند زندگی مان را بهبود ببخشد.
۶. sense: رویا حس قدر دانی خوبی دارد. به همین دلیل است والدینش او را دوست دارند.
۷. donate: ما باید به افرادی که نیاز دارند خون اهدا کنیم.
۸. function: کار قلب پمپاژ خون به همه جای بدن است.
۹. improve: مانیز داریم (باید) شرایط زندگی مان را به بالاترین سطح بهبود ببخشیم.
۱۰. behavior: ما باید رفتار اجتماعی مردمی را که به یک زبان صحبت می کنند بیاموزیم.
۱۱. kindness: آیامی دانستید که مهربانی انرژی و توان افراد سالمند را تقویت می کند؟
۱۲. increase: آن ها قصد دارند که ساعت های کاری را از ۳۵ به ۴۰ ساعت در هفته افزایش دهند.
۱۳. member: او یک عضو فعال کلوپ ماست.
۱۴. cruel: نگاه داشتن پرندگان در قفس ظالمانه است.
۱۵. famous: او یک شخص مشهور است. همه او را می شناسند.
۱۶. respect: اگر معلمان به شاگردانشان احترام بگذارند، آن ها نیز یاد می گیرند چنین کاری را بکنند.
۱۷. polite: در زبان انگلیسی مؤدبانه نیست از کسی بپرسیم چه مقدار پول به دست می آورد.
۱۸. take care of: مادرم به ما گفت که هنگام بالارفتن از کوه مراقب خودمان باشیم.
۱۹. abroad: دکتر حسابی به خارج رفت تا مطالعاتش را ادامه دهد.
۲۰. center: بیشتر مردم دوست دارند که کانون توجه باشند.
- توضیح: be at the center of attention به معنی «در کانون توجه بودن» است.
۲۱. temperature: در طی بیست و چهار ساعت گذشته بالاترین درجه حرارت از اهواز گزارش شده است.
۲۲. terrible: او آنفولانزای وحشتناکی گرفت و در نتیجه نتوانست در کلاس انگلیسی اش حضور پیدا کند.
۲۳. guess: آیا می توانید حدس بزنید کدام تیم فوتبال قهرمان جام جهانی قطر خواهد شد؟
۲۴. physician: دکتر قریب پزشک شد و در سال ۱۳۱۶ به میهن بازگشت.
۲۵. unconditionally: پدر و مادرها (والدین) بچه های شان را بدون قید و شرط دوست دارند.
۲۶. receive: شما در چه سن و سالی دیپلماتان را اخذ کردید؟
۲۷. dedicated: جای تعجب نیست که او به عنوان یک پزشک متعهد در نظر گرفته می شد.
۲۸. found: آیا دکتر قریب اولین مرکز پزشکی کودکان را تأسیس کرد؟
۲۹. lovely: او گفت که پسر دوست داشتنی اش یک سوال را ۱۵ بار تکرار کرد.
۳۰. sure: آن ها مطمئن بودند که با موفقیت امتحان نهایی شان را پاس خواهند کرد. (قبول خواهند شد.)
۳۱. (c): بچه ها باید به والدینشان احترام بگذارند.
۳۲. (d): ما باید از افراد سالمند مراقبت کنیم.
۳۳. (b): اعضای خانواده ها باید به حرف یکدیگر گوش کنند.
۳۴. (a): ما می توانیم به بسیاری از مردم با هدیه کردن آنچه نیاز دارند کمک کنیم.



۹۲. lap: بچه از نشستن روی پای مادرش لذت می برد.
۹۳. repeatedly: من مکرراً به محسن گفتم که با معلمانش مؤدبانه صحبت کند.
۹۴. hugged: عمویم به طرف پرسش رفت و او را در آغوش کشید.
۹۵. aloud: او شروع کرد به خواندن با صدای بلند.
۹۶. care: ما باید مراقب پدر و مادرمان باشیم.
۹۷. fed: آیا شما به گربه ها غذا دادید؟
ب: بله من غذا دادم.
۹۸. sit on the sofa ← نشستن روی مبل
۹۹. shout at sb ← سر کسی داد زدن
۱۰۰. sit on one's lap ← نشستن روی پای کسی
۱۰۱. keep a diary ← ثبت خاطره کردن
۱۰۲. on the other hand ← از طرف دیگر
۱۰۳. quick meal ← غذای آماده
۱۰۴. fast food ← فست فود
۱۰۵. do exercise ← تمرین کردن / ورزش کردن
۱۰۶. on the right ← سمت راست
۱۰۷. burst into tears ← ترکیدن بغض
۱۰۸. on a spring morning ← در یک صبح بهاری
۱۰۹. be angry with ← عصبانی بودن از دست کسی
۱۱۰. look for sth to buy ← دنبال چیزی برای خریدن
۱۱۱. take temperature ← دما را اندازه گرفتن
۱۱۲. make a mistake ← اشتباه کردن
۱۱۳. diary (h) ← دفترچه خاطرات
۱۱۴. take care of someone (j) ← مراقبت کردن از کسی
۱۱۵. pigeon (a) ← کبوتر
۱۱۶. read aloud (i) ← بلند خواندن
۱۱۷. hard of hearing (d) ← سنگین بودن گوش
۱۱۸. burst into tears (g) ← ترکیدن بغض
۱۱۹. sit on the lap (f) ← نشستن روی پا
۱۲۰. hug sb (e) ← در آغوش گرفتن
۱۲۱. shout at sb (c) ← داد زدن سر کسی
۱۲۲. sitting on the sofa (b) ← نشستن روی مبل
۱۲۳. repeatedly ← بارها و بارها
۱۲۴. pigeon ← کبوتر
۱۲۵. reply ← پاسخ دادن
۱۲۶. hard of hearing ← سنگین بودن گوش
۱۲۷. burst into tears ← ترکیدن بغض
۱۲۸. calmly ← به آرامی
۱۲۹. forgive ← بخشیدن
۱۳۰. diary ← دفترچه خاطرات
۱۳۱. پاسخ صحیح گزینه a است.
- آنچه که او گفت برای ما دارای مفهوم نبود. ما از او خواستیم تا آن را یک بار دیگر تکرار کند.
- گزینه ها به ترتیب عبارت اند از: دارای مفهوم - سخاوتمند - برجسته - مهم
۱۳۲. پاسخ صحیح گزینه c است.
- او توصیف کاملی از آنچه که در مسیر مدرسه اتفاق افتاده بود، داد.
- گزینه ها به ترتیب عبارت اند از: درک مطلب - استراتژی - توصیف - دامنه واژگان

۵۷. hard: ما باید با صدای بلندتر صحبت کنیم چون پدر بزرگم گوشش سنگین است.
۵۸. dedicated: دکتر قریب به عنوان یک پزشک دلسوز تلقی می شد و از هیچ کوششی برای مداوی افراد مریض دریغ نمی کرد.
۵۹. hearing: آنها باید بلندتر صحبت کنند، چون مادر بزرگشان کم شنوا است.
۶۰. memory: او حافظه خوبی دارد. او هرگز چیزی را فراموش نمی کند.
۶۱. orally: معلم به ما گفت که به سؤالات به طور شفاهی پاسخ دهیم نه به شکل نوشتاری.
۶۲. blood: او به خاطر فشار خون بالای خود به بیمارستان برده شد.
۶۳. sure: آیلین: آیا درباره آن مطمئن هستی؟ مها: نه فقط حدس می زنم.
۶۴. elderly: ما باید از افراد سالمند مراقبت کنیم. آنها نیاز به مراقبت و توجه دارند.
۶۵. members: اعضای تیم قول دادند که نهایت تلاششان را بکنند تا برنده مسابقه شوند.
۶۶. born: دکتر قریب در سال ۱۲۸۸ در تهران متولد شد.
۶۷. series: آیا شما سریال دکتر قریب را دیده اید؟
۶۸. founded: مرکز پزشکی بچه ها توسط دکتر قریب در سال ۱۳۴۷ تأسیس شد.
۶۹. match: معلم از ما خواست که تصاویر را به جملات وصل کنیم.
۷۰. care: چه کسی از بچه های شما وقتی شما در بیرون مشغول کار هستید مراقبت می کند؟
۷۱. took: دکتر دمای بدن من را گرفت و گفت هیچ مشکلی نیست.
۷۲. diary: من به مدت ۱۲ سال خاطرات را ثبت کرده ام.
- توضیح: keep a diary به معنی «ثبت خاطرات» است.
۷۳. forgive: لطفاً من رو به خاطر جدی نگرفتن ببخش.
۷۴. record: مغز می تواند مقدار زیادی از اطلاعات را ثبت کند.
۷۵. tears: خواهرم وقتی نمره اش را دید بغضش ترکید.
- توضیح: burst into tears به معنی «ترکیدن بغض» است.
۷۶. repeatedly: من بارها به فرزندم گفتم که با معلمانش مؤدبانه صحبت کنند.
۷۷. calmly: او آن قدر سا آرامش درباره تصادف صحبت کرد که ما همگی متعجب شدیم.
۷۸. lovingly: پیرزن با محبت پرسش را در آغوش کشید.
۷۹. reply: من به او صبح بخیر گفتم ولی او پاسخی نداد.
۸۰. quietly: او جلسه را بدون گفتن چیزی به آرامی ترک گفت.
۸۱. shout: ضرورتی ندارد داد بزنید. گوش های من به خوبی گوش های شماست.
۸۲. keep: چرا مکرراً یک سوال مشابه را از من می پرسی؟
۸۳. hearing: نمی دانم که آیا او گوشش سنگین است یا خیر. او به سؤال من واکنش نشان نداد.
- توضیح: hard of hearing به معنی «سنگین بودن گوش» است.
۸۴. deserve: آنها سزاوار بودند به خاطر آنچه انجام داده بودند مورد قدردانی قرار بگیرند.
۸۵. reason: او می خواست دلیل دیر کردنم (آمدنم) را بداند.
۸۶. main: نکات اصلی را به من بگو. جزئیات را برای آینده بگذار.
۸۷. provided: اطلاعات فراهم شده توسط کتاب به اندازه کافی خوب نبود.
۸۸. meaningful: هیچ تفاوت معناداری بین این دو فرهنگ لغت وجود ندارد.
۸۹. hard: ما باید بلندتر صحبت کنیم چون گوش پدر بزرگم سنگین است.
۹۰. hug: در آلمان وقتی مردم همدیگر را ملاقات می کنند معمولاً همدیگر را بغل می کنند.
۹۱. diary: من اندیشه ها و احساساتم را هر روز برای ده سال در دفترچه خاطراتم ثبت کرده ام.



۱۴۷. پاسخ صحیح گزینه d است.

نکته: have a high opinion of = respect: وقتی به کار می‌رود که شما کسی را ستایش می‌کنید و در واقع به او احترام می‌گذارید.

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: اختصاص دادن - فراهم کردن - پاسخ دادن - احترام گذاشتن

۱۴۸. پاسخ صحیح گزینه b است.

شما باید (شیوه) ایجاد (تولید) سؤال همراه با پاسخ‌های احتمالی را بیاموزید.

توضیح: اصطلاح along with به معنی «همراه با» است.

۱۴۹. پاسخ صحیح گزینه a است.

من از او خواستم نکات اصلی متن را به من بگوید.

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: اصلی - واقعی - سریع - سنگین

۱۵۰. پاسخ صحیح گزینه b است.

من هیچ ایده‌ای ندارم (نمی‌دانم) که او چرا ملاقات را بدون گفتن خداحفاظی ترک کرد.

توضیح: اصطلاح I have no idea به معنی «ایده‌ای ندارم، نمی‌دانم» است.

۱۵۱. پاسخ صحیح گزینه c است.

سؤال آماده‌شده توسط معلم سخت بود.

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: وصل کردن - ترکیب کردن - آماده کردن - سریع

مرور کردن

۱۵۲. پاسخ صحیح گزینه d است.

اگر شما موقعیت را برای من نفرستید، من نمی‌توانم در جلسه شرکت کنم.

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: توجه - قدردانی - عملکرد - موقعیت

۱۵۳. پاسخ صحیح گزینه c است.

ممکن نیست که بتوان در یک اتاق تاریک مطالعه کرد.

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: مهم - ضروری - ممکن - دارای مفهوم

۱۵۴. پاسخ صحیح گزینه d است.

شما مشکلی دارید؟ شما دارید دوباره سرفه می‌کنید.

توضیح: اصطلاح be wrong with به معنی «مشکل داشتن» است.

۱۵۵. پاسخ صحیح گزینه a است.

یک هم‌نشین شامل دو یا چند کلمه است که اغلب با هم می‌آیند.

توضیح: اصطلاح go together به معنی با هم آمدن یا همایند بودن است.

ترجمه

به والدین خودتان احترام بگذارید.

در یک صبح بهاری، پیرزنی بر روی یک مبل در خانه‌اش نشسته بود. پسر کوچکش داشت روزنامه می‌خواند. ناگهان کبوتری روی پنجره نشست.

156. It was spring.

157. She was sitting on the sofa.

158. He was reading a newspaper.

159. It sat on the window.

ترجمه

مادر از پسر کوچکش به آرامی پرسید: این چیست؟ پسرش پاسخ داد: آن یک کبوتر است. بعد از چند ثانیه او از پسرش برای بار دوم پرسید: این چیست؟ پسرش گفت: مامان، من همین الان به شما گفتم. این یک کبوتر است، یک کبوتر. بعد از مدت کوتاهی، مادر پسر از پسرش برای بار سوم پرسید: این چیست؟ این بار پسر سر مادرش داد کشید: چرا به پرسیدن یک سؤال تکراری بارها و بارها ادامه می‌دهی؟ آیا گوش تو سنگین است؟

۱۲۲. پاسخ صحیح گزینه b است.

لباس‌هایی را بپوشید که محافظت کافی برابر سرما ایجاد کند.

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: تولید کردن - فراهم کردن - پیروی کردن - توصیف کردن

۱۲۴. پاسخ صحیح گزینه a است.

وقتی مادرم نمره مرا دید با عصبانیت سر من داد کشید.

توضیح: shout at به معنی «دادزدن بر سر کسی» است.

۱۲۵. پاسخ صحیح گزینه d است.

دانش‌آموزان باید بابت کمک و مهربانی معلمانشان از آن‌ها قدردانی کنند.

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: به خاطر سپردن - تولید کردن - انتخاب کردن -

قدردانی کردن

۱۲۶. پاسخ صحیح گزینه a است.

معمولاً ۲۰ دقیقه طول می‌کشد تا به محل کارم برسم.

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: به‌طور نرمال، معمولاً - سرانجام - به‌سختی -

به‌طور ناگهانی

۱۲۷. پاسخ صحیح گزینه b است.

او مجبور بود قبل از مصاحبه، انگلیسی صحبت کردن را تمرین کند.

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: تکرار کردن - تمرین کردن - بخشیدن - دنبال کردن

۱۲۸. پاسخ صحیح گزینه c است.

دلیل شما برای داد زدن با عصبانیت بر سر او چیست؟

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: سؤال - فرایند - دلیل - کمیت

۱۲۹. پاسخ صحیح گزینه c است.

من به زبان فرانسه به او صبح بخیر گفتم و او به همان زبان پاسخ داد.

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: مرور کردن - واقع شدن - پاسخ دادن - ثبت کردن

۱۴۰. پاسخ صحیح گزینه b است.

یک طوفان شدید از غرب شروع به وزیدن کرد.

توضیح: هم‌نشین strong wind به معنی باد قدرتمند (قوی) است.

۱۴۱. پاسخ صحیح گزینه d است.

چه کسی می‌گوید کمیت بهتر از کیفیت است؟

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: راهبرد - تولید، نسل - توصیف - کمیت

۱۴۲. پاسخ صحیح گزینه c است.

او می‌تواند به سلیسی (روان بودن) یک گوینده بومی صحبت کند.

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: شگاهی - ناگهان - بومی - طبیعی

۱۴۳. پاسخ صحیح گزینه b است.

کیف آن قدر سنگین بود که نمی‌توانستم آن را حمل کنم.

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: شروع کردن - حمل کردن - وزن کردن -

اندازه گرفتن

۱۴۴. پاسخ صحیح گزینه b است.

اسامی خاص متفاوت از اسامی عام هستند.

توضیح: proper به دو معنی «خاص» و «مناسب» است.

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: جالب - عام - مفید - مشهور

۱۴۵. پاسخ صحیح گزینه c است.

من در واقع سه زبان خارجی را در کنار زبان مادری‌ام می‌دانم.

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: به‌طور وحشتناک - دقیقاً - در واقع - با صدای بلند

۱۴۶. پاسخ صحیح گزینه c است.

با آموختن هم‌نشین‌ها شما می‌توانید دامنه واژگان خود را بهبود بخشید.

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: وضعیت‌ها - توصیفات - همایندها - نسل‌ها



۱۸۱. countless: قرآن کریم به زبان‌های بی‌شماری از قبیل آلمانی، انگلیسی و فرانسوی ترجمه شده است.

۱۸۲. product: این نوع لپ‌تاپ فرآورده (محصول) جدیدی از چین است.

۱۸۳. ordinary: دانشمندان مثل من و شما افراد هادی نیستند.

۱۸۴. cure: دانشمندان هنوز روشی را برای درمان سرطان نیافته‌اند.

۱۸۵. discover: آیا الکساندر فلمینگ پنی‌سیلین را کشف کرد یا کس دیگری؟

۱۸۶. create: آن‌ها می‌خواهند شغل‌های بیشتری را برای جوانان در این منطقه ایجاد کنند.

۱۸۷. solution: معلم می‌خواست بداند چه کسی راه‌حل آن مسئله ریاضی را می‌داند.

۱۸۸. چه مشکلی داری؟ آیا مریض هستی؟

توضیح: be wrong with به معنی «مشکل داشتن» است.

۱۸۹. confirm: برادرم آنچه را که به شما گفته‌ام را تأیید خواهد کرد.

۱۹۰. agreement: او گفت که او در توافق کامل با آنچه من انجام داده‌ام است.

۱۹۱. weave: مدت زمان زیادی طول کشید تا آن فرش زیبا را ببافد.

۱۹۲. condition: او اگرچه ۹۵ سال داشت در شرایط خوبی بود.

۱۹۳. uncertainly: او به سؤال آن خانم با هدم اطمینان کامل پاسخ داد. درباره آن مطمئن نبود.

194. receive education → (e) دریافت آموزش

195. learn by heart → (j) از بر کردن، حفظ کردن

196. sense of identity → (i) حس هویت

197. find a solution → (a) پیدا کردن راه‌حل

198. cure cancer → (c) درمان سرطان

199. develop a product → (b) توسعه دادن یک کالا

200. by accident → (d) به‌طور تصادفی

201. microwave oven → (f) فر مایکروویو

202. pass the exam → (g) پاس کردن (قبول شدن) امتحان

203. elicit agreement → (h) به توافق رسیدن

204. future plans → (h) طرح‌های آینده

205. compound sentences → (j) جملات مرکب

206. wear a dress → (f) لباس پوشیدن

207. comfortable shoes → (i) کفش‌های راحت

208. be proud of → (c) افتخار کردن به

209. sense of belonging → (d) حس تعلق

210. a set of rules → (e) یک سری مقررات

211. install a dictionary → (b) نصب یک فرهنگ لغت (در گوشی هوشمند)

212. experience a failure → (g) تجربه کردن یک شکست

213. health condition → (a) شرایط سلامت

۲۱۴. hate: من از جان بدم می‌آید چون او خیلی خودخواه است.

۲۱۵. contrast: «اما» برای نشان دادن تضاد استفاده می‌شود.

۲۱۶. willing: من مشتاق هستم که به شما در انگلیسی کمک کنم.

۲۱۷. hungry: او آنچنان گرسنه بود که سه کاسه سوپ خورد.

۲۱۸. solution: آن‌ها یک راه‌حل صلح‌آمیز برای مشکل پیدا کردند.

۲۱۹. identity: هویت آن مرد متوفی توسط پلیس شناخته نشده است.

۲۲۰. regarding: ماجیزه‌های زیادی را در خصوص میراث‌مان از پدر و مادرمان می‌آموزیم.

۲۲۱. result: نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که خاتم‌های خانه‌دار بزرگ‌ترین گروه تماشاگران تلویزیونی هستند.

۲۲۲. پاسخ صحیح گزینه a است.

عواطف و اخلاقیات زیاد در غزل‌های حافظ استفاده می‌شود.

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: اخلاقیات - تبلت‌ها - ابزارها - مقررات

160. "This" refers to "pigeon".

161. She asked the same questions three times.

162. Because she asked the same question repeatedly.

ترجمه

کمی بعد، مادر به اتاقش رفت و با یک دخترچه یادداشت قدیمی برگشت. او گفت: پسر عزیزم. من این دخترچه خاطرات را وقتی تو به دنیا آمدی خریدم. سپس او یک صفحه را باز کرد و با مهربانی از پرسش خواست که آن متن را بخواند. پسر به آن صفحه نگاه کرد، مکت کرد و شروع به بلند خواندن آن کرد.

163. She went to her room.

164. She brought an old diary.

165. She bought it when her son was very young.

166. She asked him to read that page.

167. He read it aloud.

ترجمه

امروز زمانی که کیبوتری روی پنجره نشست، پسر کوچک روی پای من نشست. پسر کوچک من ۱۵ بار پرسید: آن چیست و من هر ۱۵ بار به او پاسخ دادم آن کیبوتر است. من هر بار که او همان سؤال را بارها و بارها از من می‌پرسید، او را با عشق و مهربانی بغل می‌کردم. من اصلاً احساس عصبانیت نمی‌کردم. من واقعاً برای بچه دوست‌داشتنی‌ام احساس شادی می‌کردم.

168. He was sitting on his mother's lap.

169. She replied the same questions 15 times.

170. She hugged her son lovingly

171. No, she wasn't.

ترجمه

ناگهان پسر بغضش ترکید، مادر پیرش را در آغوش کشید و به‌طور مکرر گفت: مادر، مادر من را ببخش. لطفاً من را ببخش. مادر پیرش پرسش را در آغوش کشید، او را بوسید و به آرامی گفت: ما باید مراقب کسانی باشیم که زمانی (روزگاری) مراقب ما بوده‌اند. ما همه می‌دانیم که والدینمان چه قدر برای هر چیز کوچکی به بچه‌هایشان اهمیت می‌دهند (مراقبت می‌کنند). بچه‌ها باید آن‌ها را دوست داشته باشند، به آن‌ها احترام بگذارند و مراقب آن‌ها باشند.

172. The son burst into tears.

173. Yes, he did.

174. She hugged her son and kissed him.

175. She said, "We must care for those who once cared for us. We all know how parents cared for their children for every little thing. Children must love them, respect them, and care for them."

۱۷۶. author: آیا می‌دانید کدام نویسنده (کتاب) پیرمرد و دریا را نوشته است؟

۱۷۷. poets: حافظ به عنوان یکی از مشهورترین شاعران همه زمان‌ها شناخته شده است.

۱۷۸. special: حافظ اکثراً به خاطر نوع خاصی از شعر که غزل نامیده می‌شود به خاطر آورده می‌شود.

۱۷۹. inspiration: فردوسی برای بسیاری از شاعران و نویسندگان در سرتاسر جهان الهام‌بخش شناخته شده است.

۱۸۰. heart: طاهره صفارزاده وقتی که ۸ سال داشت شروع به حفظ کردن قرآن کریم کرد.

توضیح: learn by heart به معنی «حفظ کردن» از بر کردن است.



۲۲۵. پاسخ صحیح are kept است.

من دو پرندۀ دارم. آنها در قفس نگه‌داری می‌شوند.

نکته: جمله بیانگر حال ساده مجهول است: یعنی:

am / is / are + p.p.

چون بعد از فعل متعدی keep مقبول نیامده است.

۲۲۶. پاسخ صحیح were made است.

این پن کیکها (نان شیرینی‌ها) دیروز توسط مادرم درست شد.

نکته: جمله با توجه به قید گذشته (yesterday) و مفهوم جمله

دلالت بر گذشته ساده مجهول دارد: یعنی:

was / were + p.p.

۲۲۷. پاسخ صحیح is known است.

حافظ در همه جای دنیا شناخته شده است، مگه نه؟

نکته: برای بیان حقایق و واقعیت‌ها از زمان حال ساده استفاده می‌شود

و چون جمله مجهول است شکل حال ساده مجهول می‌آید: یعنی:

am / is / are + p.p.

۲۲۸. پاسخ صحیح lowered است.

با کمک کردن به دیگران فشار خون کاهش می‌یابد.

نکته: برای بیان حقایق و واقعیت‌ها از زمان حال ساده استفاده می‌شود

و چون جمله مجهول است شکل حال ساده مجهول می‌آید: یعنی:

am / is / are + p.p.

۲۲۹. پاسخ صحیح cooking است.

وقتی به خانه رسیدیم مادرم داشت نهار می‌پخت.

نکته: چون بعد از فعل مقبول آمده است و زمان جمله معلوم گذشته

استمراری (was / were + v + ing) است، از فعل (cook) به حالت گذشته

استمراری معلوم استفاده می‌شود.

۲۴۰. پاسخ صحیح were found است.

مینا: آیا کلیدها را پیدا کردی؟

سلما: بله، کلیدها پیدا شدند.

نکته: چون جمله گذشته ساده است (با توجه به did) در پاسخ از

شکل گذشته ساده مجهول استفاده می‌شود. یعنی:

was / were + p.p.

۲۴۱. پاسخ صحیح was broken است.

الف: آیا علی پنجره را شکست؟

ب: نه، آن توسط رضا زمانی که داشت فوتبال بازی می‌کرد شکسته شد.

نکته: چون جمله گذشته ساده است و با توجه به ساختار مجهول

(حرف اضافه by به همراه کننده کار) از شکل مجهول فعل داخل پرانتز در

زمان گذشته ساده مجهول استفاده می‌شود. یعنی:

was / were + p.p.

۲۲۲. پاسخ صحیح گزینه C است.

این شاعر الهاماتش را از طبیعت می‌گیرند.

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: مکالمه - توسعه - الهام - ترجمه

۲۲۴. پاسخ صحیح گزینه b است.

آیامی دانستید که رادیو توسط یک دانشمند ایتالیایی به نام مارکونی اختراع شده است؟

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: کشف شدن - اختراع شدن - وصل شدن -

انتخاب شدن

۲۲۵. پاسخ صحیح گزینه d است.

از کدام یک از ابزارهای قدرت ارتباطی هنگام سخنرانی بیشتر استفاده می‌کنید؟

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: متون - نکات، امتیازات - گزینه‌ها - ابزارها

توضیح: communication power tools به معنی «ابزارهای قدرت

ارتباطی» است. (این سؤال خیلی منطقی بود.)

۲۲۶. پاسخ صحیح گزینه b است.

آقای احمدی یک مرد مذهبی است. او قرآن را از بر دارد (از حفظ می‌داند).

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: جدی - مذهبی - ویژه - بی‌شمار

۲۲۷. پاسخ صحیح گزینه C است.

نظام آموزش در فنلاند بهترین نظام آموزشی در دنیاست. بچه‌ها از یادگیری

لذت می‌برند.

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: مجموعه - عاطفه - آموزش - شعری

۲۲۸. پاسخ صحیح گزینه a است.

این که او چند زبان می‌داند یک نعمت است.

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: نعمت - میراث - خط مشی - تعلق

۲۲۹. پاسخ صحیح گزینه d است.

احتمال ضعیفی وجود دارد که او بتواند به ما کمک کند.

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: حضور - تفاوت - ترکیب - احتمال

۲۳۰. پاسخ صحیح گزینه a است.

دکتر هادر حال چک کردن (بررسی) سلامت او هستند. من امیدوارم چیز جدی نباشد.

گزینه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: بررسی کردن - توضیح دادن - ذکر کردن - دنبال کردن

۲۳۱. پاسخ صحیح گزینه C است.

این تست‌ها بر اساس واژگان هستند نه بر اساس گرامر (دستور زبان).

توضیح: be based on به معنی «بر اساس» است.

۲۳۲. پاسخ صحیح are made است.

این رادیوها در ژاپن ساخته می‌شوند.

نکته: جمله بیانگر حال ساده مجهول است: یعنی:

am / is / are + p.p.

۲۳۳. پاسخ صحیح has not been found است.

دزد هنوز توسط افراد پلیس پیدا نشده است.

نکته: جمله با توجه به yet حال کامل (ماضی نقلی) مجهول است و

yet فقط در حالت منقی می‌آید: یعنی:

have / has + not + been P.P.

۲۳۴. پاسخ صحیح works است.

آیا می‌دانید این ساعت چگونه کار می‌کند؟

نکته: چون work (کار کردن) یک فعل لازم است، پس نیاز به

مجهول کردن ندارد و مفهوم جمله بیانگر حال ساده است.



۲۶۵. پاسخ صحیح گزینه d است.

فردا یک درس جدید به دانش‌آموزان تدریس خواهد شد.

نکته: با توجه به قید زمان آینده ساده (tomorrow) و مجهول بودن جمله، از شکل مجهول will be + p.p. استفاده می‌شود.

۲۶۶. پاسخ صحیح گزینه c است.

این ماشین‌ها از سال ۲۰۱۰ استفاده نشده‌اند.

نکته: جمله بیانگر حال کامل است (با توجه به since) و هر فعل متعدی بدون مفعول، مجهول است: پس: have / has been + p.p.

۲۶۷. پاسخ صحیح گزینه d است.

ما دوشنبه گذشته به مهمانی آن‌ها دعوت شدیم.

نکته: با توجه به قید زمان گذشته (دوشنبه گذشته) و نبودن مفعول بعد از فعل متعدی (دعوت کردن) از شکل گذشته ساده مجهول استفاده می‌شود: یعنی: was / were + p.p.

۲۶۸. پاسخ صحیح گزینه d است.

این ساعت از سال گذشته خیلی خوب کار کرده است.

نکته: چون work (کار کردن) فعل لازم است، با در نظر گرفتن since از شکل معلوم حال کامل (ماضی نقلی) استفاده می‌شود: یعنی: have / has + p.p.

۲۶۹. پاسخ صحیح گزینه b است.

برادر او شب گذشته نزدیک پارک پیدا شد.

نکته: با توجه به قید زمان گذشته (شب گذشته) و حالت مجهول فعل (find) از شکل مجهول گذشته ساده استفاده می‌شود: یعنی: was / were + p.p.

۲۷۰. پاسخ صحیح گزینه a است.

چرا آن‌ها شیر را کشتند؟

نکته: جمله بیانگر گذشته ساده معلوم است چون هم فاعل دارد (they) و هم مفعول (the lion).

۲۷۱. پاسخ صحیح isn't she است.

مینا خوشحال است، مگه نه؟

Mina is → isn't she?

۲۷۲. پاسخ صحیح isn't he است.

او داره یک ایمیل می‌نویسه، مگه نه؟

He's → isn't he?

۲۷۳. پاسخ صحیح was he است.

جرج گرسنه نبود، مگه نه؟

George wasn't ? → was he?

۲۷۴. پاسخ صحیح weren't they است.

دخترها داشتند قالی می‌بافتند، مگه نه؟

The girls were → weren't they?

242. Active: My mom forgave me for breaking the vase.

Passive: I was forgiven (by my mom) for breaking the vase .

243. Active: She has kept a diary for 50 years.

Passive: A diary has been kept by her for 50 years.

244. Active: Where do they park their car?

Passive: Where is their car parked?

245. Active: Mr. Brown takes his children to school every day.

Passive: Mr. Brown's children (his children) are taken to school everyday.

246. Active: Doctors have made a new medicine to cure cancer.

Passive: A new medicine has been made to cure cancer (by doctors).

247. No, it hasn't been cleaned yet.

248. Persian is spoken in this country.

249. has been painted

255. are created

250. was hunted

256. was discovered

251. are developed

257. was working

252. were invented

258. was invented

253. are made

259. are not invented

254. are developed

260. were made

ترجمه

بسیاری از محصولات هر ساله توسعه داده می‌شوند. لامپ روشنایی، دوربین، هواپیما و تلفن توسط دانشمندان و مخترعان اختراع شدند. لپ‌تاپ‌ها، گوشی‌های هوشمند و تبلت‌ها به واسطه کارهای زیاد ساخته شدند. ولی همه محصولات به وسیله کارهای زیاد توسعه پیدا نکرده‌اند. کارهای زیاد برخی از اختراعات به صورت تصادفی یا به علت اشتباهات دانشمندان ایجاد شده‌اند. مثلا پنی سیلین وقتی الکساندر فلمینگ داشت روی باکتری کار می‌کرد کاملاً به صورت تصادفی کشف شد. فرمایکروویو همچنین در طی آزمایش بر روی انرژی اختراع شد. جالب‌تر این‌که برخی از ابزارها و فناوری‌ها اصلاً توسط دانشمندان اختراع نشده‌اند. برخی مثل ماشین لباسشویی‌ها و بازی‌های کمپیوتری توسط افراد عادی مثل کارگران، خانم‌های خانه‌دار و دانش‌آموزان مدارس ساخته شده‌اند.

۲۶۱. پاسخ صحیح گزینه a است.

کتاب جدید دو روز پیش پست شد.

نکته: جمله گذشته ساده مجهول است. یعنی: was / were + p.p.

۲۶۲. پاسخ صحیح گزینه b است.

به او یاد داده شد قبل رفتن به چین زبان چینی را صحبت کند.

نکته: با توجه به این‌که کار در گذشته اتفاق افتاده است از شکل مجهول زمان گذشته استفاده می‌شود: یعنی: was / were + p.p.

۲۶۳. پاسخ صحیح گزینه b است.

الکساندر فلمینگ خیلی سال‌ها پیش پنی‌سیلین را کشف کرد.

نکته: با توجه به این‌که کار در گذشته اتفاق افتاده است، از شکل معلوم زمان گذشته استفاده می‌شود.

۲۶۴. پاسخ صحیح گزینه c است.

تام به عنوان یک سرباز شجاع شناخته شده است.

نکته: با توجه به ساختار مجهول (نبودن مفعول بعد از فعل) از شکل مجهول زمان حال ساده استفاده می‌شود و تنها یک گزینه مجهول وجود دارد.



Vocabulary

لغات

در جدول زیر، پرتکرارترین کلمات مطرح شده در امتحانات نهایی را ملاحظه می کنید:

ردیف	کلمه	معنی	تعداد	درس / بخش کتاب
۱	demand	تقاضا	۷	Read and Practice - 3
۲	effectively	به طور مؤثر	۷	Read and Practice - 2
۳	arrange	چیدن، مرتب کردن	۶	Read and Practice - 3
۴	diary	دفترچه خاطرات	۶	Read and Practice - 1
۵	replace	جایگزین کردن	۶	Read and Practice - 3
۶	absorb	جذب کردن	۵	Read and Practice - 3
۷	introduction	مقدمه	۵	Read and Practice - 2
۸	convert	تبدیل شدن	۴	Read and Practice - 3
۹	forever	برای همیشه	۴	Read and Practice - 3
۱۰	forgive	بخشیدن	۴	Read and Practice - 1
۱۱	suppose	فکر کردن، فرض کردن	۴	Read and Practice - 2
۱۲	fossil	فسیل، سنگواره	۴	Read and Practice - 3
۱۳	mind	ذهن	۴	Proverb - 3
۱۴	sight	دید	۴	Proverb - 3
۱۵	early	زود	۴	Proverb - 3
۱۶	speak	صحبت کردن	۴	Proverb - 3
۱۷	calmly	به آرامی	۳	Read and Practice - 2
۱۸	combination	ترکیب	۳	Read and Practice - 2
۱۹	distinguished	برجسته، مشهور	۳	Conversation - 1
۲۰	jump into	ناگهان تصمیم گرفتن	۳	Read and Practice - 2
۲۱	symbol	نماد	۳	Work book - 2
۲۲	tide	جزر و مد	۳	Read and Practice - 3
۲۳	turbine	توربین	۳	Conversation - 3
۲۴	variety	تنوع	۳	Read and Practice - 2
۲۵	effect	تأثیر	۳	Work book - 2
۲۶	figure out	فهمیدن	۳	New Words - 2
۲۷	guide	راهنمایی	۳	Reading - 2
۲۸	identify	شناسایی کردن	۳	Reading - 2
۲۹	combine	ترکیب کردن	۳	Writing - 1
۳۰	communicative	معاشرتی	۳	Vocabulary Development - 2
۳۱	generate	تولید کردن	۳	Reading - 1
۳۲	share	به اشتراک گذاشتن	۲	Work book - 1
۳۳	shout	دادزدن	۲	Reading - 1
۳۴	balcony	بالکن	۲	New Words - 3
۳۵	born	متولد شدن	۲	Conversation - 1
۳۶	dedicated	دلسوز، متعهد	۲	Conversation - 1
۳۷	failure	شکست	۲	Work book - 1



۳۸	generous	سخاوتمند	۲	Conversation - 1
۳۹	honored	احساس غرور، افتخار	۲	Reading – work book - 1
۴۰	hug	در آغوش کشیدن	۲	Conversation - 1
۴۱	hard of hearing	کم‌شنوا	۱	Reading - 1
۴۲	perfect	کامل	۱	Proverb - 3
۴۳	expand	بسط دادن / توسعه دادن	۱	Reading - 2
۴۴	blow	وزیدن	۱	Conversation - 3
۴۵	consume	مصرف کردن	۱	New Words - 3
۴۶	opposite	مخالف - عکس	۱	Conversation - 3

Verbs

افعال

تقسیم‌بندی افعال بی‌قاعده بر اساس آهنگ صرف آن‌ها

۱- افعالی که سه قسمت آن‌ها یکی است:

معنی	اسم مفعول	گذشته	حال
ترکیدن، منفجر شدن	burst	burst	burst
ارزیدن، بهاداشتن	cost	cost	cost
بریدن	cut	cut	cut
اصابت کردن، ضربه زدن	hit	hit	hit
آسیب دیدن، صدمه زدن	hurt	hurt	hurt
اجازه دادن	let	let	let
گذاشتن	put	put	put
رها کردن	quit / quitted	quit / quitted	quit
خواندن	read / red/	read / red/	read
غروب کردن، چیدن میز	set	set	set

۲- افعالی که گذشته و اسم مفعول آن‌ها یکی است و حال آن‌ها متفاوت است:

معنی	اسم مفعول	گذشته	حال
آوردن	brought	brought	bring
خریدن	bought	bought	buy
گرفتن، دستگیر کردن	caught	caught	catch
جنگیدن	fought	fought	fight
جست‌وجو کردن	sought	sought	seek
آموزش دادن، یاد دادن	taught	taught	teach
فکر کردن	thought	thought	think

معنی	اسم مفعول	گذشته	حال
ساختن، وادار ساختن	made	made	make
پرداختن	paid	paid	pay
گفتن	said	said	say

